

# خبرنامه عدالت کیفیری

گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی  
دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

فصل‌نامه علمی - حقوقی / سال چهارم / شماره دوازدهم / تابستان ۱۴۰۰





معاونت فرهنگی، اجتماعی

# خبرنامه عدالت کیفری



گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی  
دانشکده حقوق

دانشگاه شهید بهشتی

«حاکم اگر در عفو به خطا رود بهتر از آن است که در کیفر به خطا افتد»

امام علی علیه السلام

فصل‌نامه علمی-حقوقی

سال چهارم / شماره دوازدهم / تابستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسؤول: دکتر نسرين مهرا

سرديبر: سحر سهيل مقدم

هیات تحریریه: : فرشاد چنگایی، مهدی حسینی، عارف خلیلی پاجی، محمدرضا خطشب، دکتر حامد رهدارپور،

امین زحمتکش، عبدالحسین سلطانی رنانی

همکاران: دکتر محمدعلی اردبیلی، سعدی ابراهیم‌زاده، مهرنوش ایمانی، پریسا پورهاشمی، فرشاد چنگایی،

حمیدرضا حیدرپور، دکتر حامد رهدارپور، عبدالحسین سلطانی رنانی، فرهاد شاهیده، منصوره قنبریان بانوئی،

فرشید نظری

ویراستار ادبی: پریسا پورهاشمی

صفحه‌آرایی: بهار خلیلی

نشانی: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، طبقه اول، دفتر انجمن ایرانی حقوق جزا

ایمیل: [criminaljusticebulletin2018@gmail.com](mailto:criminaljusticebulletin2018@gmail.com)

تلفن و فکس: ۰۲۱۲۲۴۳۱۷۵۵

همراه: ۰۹۱۲۲۱۹۸۰۴۱

# فهرست

۵	مصاحبه
۹	گزارش
۱۰	نقد رای: امکان خیانت در اسناد تجاری مشروط یا تضمینی
۱۴	آسیب‌شناسی وضعیت بانکداری خصوصی در ایران از منظر سیاست جنایی
۲۰	آیین‌نامه جدید سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی؛ گامی مؤثر رو به جلو
۲۳	سیاست‌گذاری جنایی پیشگیرانه در حوزه تروریسم: (درنگی در برخی تدابیر موقعیت‌مدار)
۳۱	تازه‌های طرح
۳۲	تازه‌های نشر

مصاحبه

# مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

## گستره‌ای محدود و نوپیدا

تنظیم کننده: پریسا پورهائشمی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

در این شماره با آقای دکتر محمدعلی اردبیلی، استاد دانشگاه شهید بهشتی در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مصاحبه کرده‌ایم.

۱- مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران چه خلأهایی دارد؟

مهم است که بدانیم در فرایند قانون‌گذاری پیرامون مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی چه فراز و نشیب‌هایی پیش آمده که سرانجام مقنن کیفری ناگزیر به پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شده است. پیش از تصویب قانون مجازات جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ یک دوره سرگردانی را پشت سر گذاشتیم یعنی دوره‌ای که مقنن گاهی به نعل و گاهی به میخ می‌زد و هنوز به‌صراحت مسئولیتی برای اشخاص حقوقی نشناخته بود. هرچند که در قوانین خاصی الزاماتی برای اشخاص حقوقی که اتفاقاً جنبه کیفری هم داشت تعیین شده بود؛ اما این موارد را اگر نادیده بگیریم، در سیر تحولات



آقای دکتر محمدعلی اردبیلی،  
استاد دانشگاه شهید بهشتی

رویه‌ای استوار در این خصوص شکل گرفته باشد. البته حتی پیش از تصویب این قوانین دادگاه‌ها حکم‌هایی در این موارد داده‌اند؛ مثلاً در خصوص قصور و اهمال برخی شخصیت‌های حقوقی که منتهی به جنایات یا جرائم و صدمات بدنی می‌شد حکم به دیه صادر می‌شد. البته چندان درست نیست که واژه مسؤولیت کیفری را در این خصوص به کار برد؛ بنابراین بهتر است گفته شود پیش از این، گاه دادگاه‌ها علیه اشخاص حقوقی به ضمان دیه رأی می‌دادند؛ مثلاً اگر کسی شبانگاه در چاله‌ای در خیابان می‌افتاد درحالی‌که شهرداری وظیفه داشت با گذاشتن علائم هشداردهنده از وقوع این حوادث پیشگیری کند یا عابری که از روی سیم برقی در پیاده‌رو عبور می‌کرد و دچار برق‌گرفتگی می‌شد درحالی‌که وزارت نیرو مسؤول پیشگیری از این حادثه بود، این اشخاص حقوق عمومی مکلف به جبران خسارت بودند و همچنان ضامن هستند؛ اما به نظر من این آرا جدای از آرای است که به

در مورد مسؤولیت کیفری دولت، دلایل مخالفان مسؤولیت کیفری دولت قوی‌تر از دلایل طرفداران آن باشد. چون حاکمیت و اقتدار ازجمله اعمال مجازات در ید دولت است.

استناد ماده ۱۴۳ تحقق پیدا می‌کند. آنچه مسلم است تعارضات و ابهامات همچنان در قانون باقی است. عبارات ماده ۱۴۳ مانند «به نفع» و «به نام»، هنوز برای خیلی از قضات جا نیفتاده و مورد سؤال است.

## ۲- در خصوص تفاوت دو ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای و ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی در تجمیع و کفایت یکی از دو شرط «به نام» و «به نفع» شخص حقوقی برای تحقق جرم، به نظر شما منطقی پشت این تفاوت در این دو قانون خاص و عام بوده یا صرفاً ناشی از بی‌توجهی قانون‌گذاری است؟

به نظر من در این خصوص دلیل خاصی در وضع ماده ۱۴۳ به این صورت وجود ندارد و تاکنون نیز ندیده‌ام که مفسران در این باره اظهار نظر خاصی کرده باشند و اساساً اگر این دو شرط جمع نشوند، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی ارزش خود را از دست می‌دهد. باید جرمی که شخص حقیقی مرتکب شده در جهت منافع شخص حقوقی باشد و به نام او این تلاش شده باشد؛ یعنی رفتار شخص حقیقی به گونه‌ای باشد که گویی این عمل را شخص حقوقی انجام می‌دهد. منطبق این را نمی‌پذیرد که جرم تنها به نام شخص حقوقی ارتکاب یافته باشد اما به نفع ثالث ولی مسؤولیت کیفری متوجه شخص حقوقی شود این امر با مبانی مسؤولیت کیفری شخص حقوقی نیز سازگاری ندارد.

## ۳- آیا امکان فرض مسؤولیت کیفری و ارتکاب

تقنینی اشخاص حقوقی، در سال ۱۳۸۸ برای نخستین بار مقنن در موادی از این قانون مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی رایانه‌ای را به رسمیت شناخت و قواعدی را مقرر کرد. البته این قانون پس از آن از جهاتی با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مغایرت پیدا کرد. در قانون مصوب ۱۳۹۲ عنایتی به قوانین پیشین ازجمله ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای نشده است. از این حیث که در ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای تکلیف اشخاص حقیقی که مدیران اشخاص حقوقی هستند به روشنی تعیین شده بود؛ واژه مدیر، وظایفش و افراد تحت امر او و جرائم احتمالی که نهایتاً منجر به مسؤولیت کیفری شخص حقوقی بشود، تعریف شده بود. درحالی‌که در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از نمایندگان قانونی صحبت شده است که در مورد اینکه نماینده قانونی دقیقاً چه کسی است، ابهام وجود دارد. به هر حال در تفسیر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی باید گفت که نماینده

قانونی وظایفی کمابیش شبیه وظایف مدیران اشخاص حقوقی دارد. البته به جز مورد مذکور و موارد دیگر، مشابهت‌هایی نیز در این دو ماده وجود دارد. در مجموع من ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای را از جهاتی کامل‌تر از ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی میدانم. در ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای شروط تحقق مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی ارتکاب جرم «به نام و به نفع» شخص حقوقی است اما در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی کافی است که جرم «به نام یا به نفع» شخص حقوقی باشد و اجتماع هر دو شرط لازم نیست. البته باید گفت که هر دو این مواد گرت‌برداری ناقصی از قانون فرانسه است. این اختلافات پرسش برانگیز که اصلاً چرا چنین وضعی پیش آمده، درحالی‌که انتظار می‌رفت که مقنن کیفری در سال ۱۳۹۲ در جهت تکمیل آنچه پیشاپیش مقرر نموده بود گام بردارد منشأ ایرادات عدیده‌ای نسبت به شیوه قانون‌نویسی و نحوه غلط قانون‌گذاری در کشور شده است. این خود موضوع جداگانه‌ای است که فرصت پرداختن به آن در این مجال نیست؛ اما با وضع ماده ۱۴۳ و همچنین ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی به‌ویژه تبصره آن ملغمه‌ای از مسؤولیت‌هایی را برای شخص حقوقی به وجود آورده و ابهام‌هایی از این دست باقی گذاشته که آیا شخص حقیقی و شخص حقوقی هر دو برای جرائمی که شخص حقیقی مرتکب می‌شوند تحت تعقیب قرار خواهند گرفت و یا مسؤولیت کیفری شخص حقوقی مشروط به اثبات مسؤولیت کیفری شخص حقیقی است؟ از این‌رو تصور می‌کنم که قضات کمتر میل به محکومیت اشخاص حقوقی پیدا می‌کنند یا کرده‌اند چون گمان نمی‌کنم که پس از این سال‌ها هنوز

## جرم توسط دولت وجود دارد؟

است که مفهومی به نام جرائم دولت<sup>۱</sup> شکل گرفته اما هنوز انسجام پیدا نکرده است. این مفهوم در معنی امروزی یعنی پاسخگویی دولت در قبال حقوق شهروندی و حقوق بشر. اگر دولتی مرتکب جنایتی شود ممکن است عنوان جنایت بین‌المللی را پیدا کند اما در حقوق بین‌الملل کیفری این مسؤولیت متوجه افراد دولت است (مسؤولیت فردی). نمونه احکامی که دادگاه‌ها، از نورنبرگ تا به امروز، در مورد جنایاتی که سران و رهبران کشورها در موقعیت‌هایی چون جنگ‌های داخلی مرتکب شده‌اند نشان می‌دهد که تمایلی به محکومیت دولت‌ها وجود ندارد. فرماندهان و رؤسای ارشد این دولت‌ها در نمونه بوسنی هرزگوین در دهه ۹۰ میلادی، تحت تعقیب قرار گرفتند. همچنین در دیوان کیفری بین‌المللی در پی تعقیب رئیس‌جمهور وقت سودان آقای عمرالبشیر پرونده‌ای مفتوح است. در موارد این‌چنینی دولت مضمحل نمی‌شود بلکه دولت متشکل از افراد جایگزین بر اساس اصول قانون اساسی آن کشور همچنان پابرجاست و تمام نهادهايش هم مستقر است. برای نمونه اگر فرماندهان نظامی‌اش به‌عنوان جنایتکار بین‌المللی تحت تعقیب باشند، ارتش مضمحل نمی‌شود. از این‌رو هیچ دادگاهی هنوز هیچ دولتی را به اتهام جرم محکوم نکرده است. این امر نشان می‌دهد که هنوز تا شناسایی مسؤولیت کیفری برای دولت‌ها راه درازی در پیش است.

### ۴- در شرایط فرضی پیش‌بینی مجازات متناسب برای دولت و دادگاه صالح، ذات مسؤولیت کیفری دولت قابل‌تصور می‌شود؟

همه‌چیز قابل‌تصور است اما موانع عملی تاکنون مانع اجرای چنین امری بوده است. وقتی قانونی وضع می‌شود باید استدلالی منطقی پشت آن باشد. اگر قانونی در فرض وضع شدن، اجرا نشود، نشان می‌دهد که از ابتدا راه اشتباه انتخاب شده است و آثار و تبعات آن باید بررسی و سنجیده شود. در دنیای اعتباریات، می‌توان موارد بسیاری را تصور کرد که تصدیق و امکان تحققش دشوار است.

### ۵- حال که در خصوص آلودگی‌های زیست‌محیطی مثال زدید، مبانی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌طور ویژه در جرائم زیست‌محیطی چیست و آیا تفاوتی با دیگر جرائم دارد؟

تصور می‌کنم به لحاظ مبانی میان جرائم زیست

این موضوع همواره مناقشه برانگیز بوده است. سوال این است که آیا دولت به‌عنوان یک شخصیت حقوقی ممکن است پاسخگوی افعال و اعمالی باشد، مثلاً نقض حقوق شهروندان یا نسبت به شخص حقیقی یا حقوقی دیگر تحت پیگرد کیفری قرار گیرد؟ به نظر می‌رسد در این‌باره دلایل مخالفان مسؤولیت کیفری دولت قوی‌تر از دلایل طرفداران آن باشد. چون حاکمیت و اقتدار از جمله اعمال مجازات در ید دولت است. دولت حق مجازات و تعقیب مجرمان را دارد، چگونه می‌شود که برابر رأی دادگاه دولت محکوم به تحمل مجازات شود؟ اساساً چه نوع مجازاتی را می‌توان به دولت تحمیل کرد؟ هر نوع مجازاتی ممکن است در اجرا دچار مشکل شود. برای نمونه الزام دولت به پرداخت جزای نقدی که باید به خزانه دولت ریخته شود گویی مبلغی از یک جیب به جیب دیگر ریخته شده باشد. حتی پذیرفتن الزام دولت به تحمل بعضی شداید و محدودیت‌های ناشی از مجازات‌ها، مثل سلب برخی از حقوق و آزادی‌ها، کمی دشوار به نظر می‌رسد. مثلاً اگر دولت از بعضی حقوق اجتماعی یا انجام برخی از معاملات محروم شود در کار دولت اختلال ایجاد می‌شود. باید توجه کرد که تصور از دولت معمولاً قوه اجرایی است و ممکن نیست که قوه اجرایی منحل شود. در واقع چه مجازاتی می‌توان متناسب با وضع دولت متصور شد که به شخصیت حقوقی دولت تحمیل شود و به اقتدار یک دولت که نماینده حاکمیت در شئون داخلی و بین‌المللی است، ضربه نخورد؟ البته در روزگار ما دولت‌ها نسبت به نقض حقوق شهروندی و معاهدات بین‌المللی مسؤولیت‌هایی دارند اما این مسؤولیت کیفری نیست؛ بلکه بیشتر الزام به پرداخت غرامت است. در رابطه با دیگر دولت‌ها هم شرایط مشابه است؛ در برابر نقض معاهدات بین‌المللی ممکن است الزاماتی متوجه دولت‌ها بشود مثلاً در مورد آلودگی‌های محیط‌زیست فرضاً نشت محموله‌های نفتی در دریاها دولت‌ها محکوم به پرداخت غرامت می‌شوند و پذیرفتنی هم هست؛ اما فرض کنید این دولت به جرم آلودگی دریایی متهم شود، کدام دادگاه صالح به رسیدگی به این جرم است؟ فرض کنیم در آب‌های ساحلی یک کشور چنین اتفاقی بیفتد و دادگاه‌های آن کشور هم صالح به رسیدگی باشند و بر فرض، رسیدگی هم انجام شود و قصور یا تقصیر دولتی در آلودگی محیط ثابت شود، حکم دادگاه چگونه و توسط چه نهادی باید اجرا شود؟ به نکته‌ای برمی‌گردیم که ابتدا باید مجازاتی متناسب با وضع دولت تصور کرد. از طرف دیگر دو دهه

قانون‌گذار فرانسه در سال ۱۹۹۴ نیز بسیار صریح در قانون مجازات گفته است که: شخصیت حقوقی دولت قابل تعقیب نیست (دولت در مفهوم حاکمیت). هرچند پیش از آن هم عملاً در رویه دادگاه‌ها مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی جز دولت در فرانسه شناخته شده بود، اما در این سال قانونگذار به این امر تصریح کرد. تاکنون در قوانین کشور خاصی ندیده‌ام که در مورد مسؤولیت کیفری دولت مقرراتی وضع شده باشد که به موجب آن بتوان دولت را تحت تعقیب قرار داد و یا نمونه‌ای از رأی دادگاه که به موجب آن دولتی محکوم و ملزم به تحمل مجازاتی شود. موضوع مسؤولیت کیفری در برخی کشورها بیش از یک سده سابقه دارد به‌ویژه کشورهای کامن‌لا یا ایالات متحده آمریکا که حتی سابقه‌ای بیشتر از کشورهای اروپای قاره‌ای در این زمینه دارد. در حقوق بین‌الملل هم بحث مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مطرح شده است؛ در سال‌های بین دو جنگ جهانی که در جنگ اول به شکست آلمان منتهی شد و حقوق دانان بین‌الملل اظهار داشتند که می‌توان دولت را به‌عنوان متجاوز مجازات کرد. برخی از علما نیز پیشنهاد دادند محدودیت‌هایی برای آلمان پیش‌بینی شود. این محدودیت‌ها مثلاً چه می‌توانست باشد؟ محدودیت در آزادی ارتباط سیاسی یا اقتصادی با سایر دولت‌ها برای مدتی؛ اما نهایتاً طبق آرای دادگاه نورنبرگ سران و رهبران آلمان نازی محکوم شدند و دولت آلمان محکوم نشد. البته در رأی دادگاه شش نهاد دولتی مجرم شناخته شدند اما محکوم نشدند، مثل حزب نازی یا نهاد امنیتی دولت آلمان نازی یا ستاد فرماندهی ارتش. این نهادها محکوم نشدند صرفاً اعلام شد که جنایتکارند. دلیلش هم این بود که اعضای سابق حزب نازی بدانند که اگر در عضویت حزب باقی بمانند یا عضو جدیدی به آن بپیوندند تحت تعقیب قرار می‌گیرند؛ اما نهایتاً دولت آلمان محکومیت کیفری به‌عنوان شخص حقوقی پیدا نکرد.

در مجموع تحولات حقوق کیفری اشخاص حقوقی حتی صرف نظر از دولت، بسیار بطئی است. مهم‌ترین مسأله نیز قابلیت اسناد است. در این خصوص نظریات متفاوتی وجود دارد که در جای خود در کتاب‌ها و مقالات آمده است. اکنون هم دادگاه‌های کشورهای مختلف بر مبنای همین نظریات متفاوت حکم می‌دهد مثلاً مبنای نظری مسؤولیت کیفری شخص حقوقی در ایالات متحده آمریکا با انگلستان یا کشورهای اروپای قاره‌ای تفاوت دارد. در حقوق داخلی هم در مورد اشخاص حقوقی مذکور در دو ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مبنای نظری متفاوتی وجود دارد که در جای خود بحث مفصلی دارد که علاقه‌مندان را به خواندن کتاب و مقالاتی که در این زمینه وجود دارد سفارش می‌کنم.

محیطی و غیر آن تفاوتی وجود ندارد. اشخاص حقوقی با شرطی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده ممکن است مرتکب جرائم زیست‌محیطی بشوند؛ مثلاً کارخانه‌ای پسماند خود را به رودخانه بریزد و موجب ضررهایی به افراد، آبزیان و یا حتی زیست گیاهی شود، ممکن است همین شخصیت حقوقی برای پرداخت مالیات کمتر، در دفاترش دست ببرد. به لحاظ مبنای تفاوتی میان این جرائم نیست. مگر اینکه -اگر آمار قابل‌اعتنایی وجود داشته باشد- گفته شود جرائم زیست‌محیطی گستره بیشتری دارد و محیط‌زیست بیشتر در معرض نابودی است؛ صرفاً از این بابت شاید بتوان گفت صدمات در فرض جرائم زیست‌محیطی بیش از مالیات یا جرائم مشابه دیگر محتمل است. پس می‌تواند مجازات شدیدتری داشته باشد ولی در مبنای تفاوت خاصی ندارد.

## ۶- آیا حاکمیت کلی دولت می‌تواند عدم مسؤولیت کیفری دولت را در مورد اعمالی مانند همین آلودگی‌های زیست‌محیطی که واقعاً هم اعمال حاکمیت نیست، توجیه کند؟

من با شما موافقم که ممکن است عدم نظارت قوی بر دولت‌ها، دستشان را برای هر کاری باز نگه دارد. اگر قبول کنیم که اعمال دولت‌ها باید تحت نظر باشد، در مورد قصور و تقصیر باید محملی وجود داشته باشد که بتوان از دولت‌ها مسؤولیت خواست. این راهکار را در نظام‌هایی که بر مبنای اساسی استوار هستند می‌توان پیش‌بینی کرد، مثل استیضاح وزیر توسط مجلس یا سازوکارهای مشابه. حتی وزیر ممکن است تحت تعقیب کیفری قرار گیرد و به‌عنوان شخص وزیر محاکمه می‌شود. یا مثلاً مواردی چون اختلاسی چندین هزارمیلیاردی یا از بین رفتن شصت تن طلا که مسؤولیتش متوجه رئیس بانک مرکزی و یکی از معاونینش است که اکنون پرونده‌اش نیز در جریان است. اگر این میزان از ثروت ملی در نتیجه بی‌کفایتی رئیس بانک مرکزی و معاونینش به هر صورتی از بین رفته است، باید بررسی شود که آیا این رئیس و معاون برای نفع شخصی خود -ولو غیرمستقیم- چنین کرده‌اند که در این صورت ارتباطی به دولت ندارد؛ اما اگر شخصاً سودی از این تخصیص ارز نبرده‌اند و این وضعیت صرفاً در نتیجه ناکارآمدی و سیاست‌های غلط بوده است، موضوعی است که به این نتیجه منتهی می‌شود که بانک مرکزی به‌عنوان یکی از نهادهای دولتی که اعمال حاکمیتی انجام می‌دهد مجازات شود؛ بنابراین بازهم با معضل مجازات کردن دولت به لحاظ عملی مجرمانه روبه‌رو می‌شویم. من تاکنون با توجه به تجربه دیگر کشورها راهی نیافته‌ام که بتوان برای دولت مسؤولیت کیفری تصور کرد.



## گزارش

# پایان نامه‌های کارشناسی ارشد دفاع شده

## بهار و تابستان ۱۴۰۰

تنظیم کننده: سعدی ابراهیم زاده

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

- ۱- اثر اختلالات روانی بر مسؤولیت کیفری در حقوق ایران و آمریکا  
پژوهشگر: حسام شعبانی / استاد راهنما: دکتر باقر شاملو / استاد مشاور: دکتر مهدی صبوری پور
- ۲- پیشگیری از وقوع جرایم امنیتی سایبری  
پژوهشگر: محمداحسان نسج همدانی / استاد راهنما: دکتر جعفر کوشا / استاد مشاور: دکتر باقر شاملو
- ۳- جنبه‌های حقوقی - جرم‌شناختی فعالیت فرقه‌های انحرافی  
پژوهشگر: مهدی نصیری اوانکی / استاد راهنما: دکتر سید علیرضا میرکمالی / استاد مشاور: دکتر علی صفاری
- ۴- چالش‌های اصل ضرر به مثابه اصل جرم‌انگار  
پژوهشگر: معصومه سلطانی یار / استاد راهنما: دکتر رحیم نوبهار / استاد مشاور: دکتر باقر شاملو
- ۵- رژیم عالی مشترک در قراردادهای نفت و گاز در عراق و اقلیم کردستان
- ۶- سیاست جنایی ایران در برابر قاچاق سوخت با رویکردی بر رویه قضایی  
پژوهشگر: نسرتین امیرمحمودی زمین حسین / استاد راهنما: دکتر جعفر کوشا / استاد مشاور: دکتر امیرحسین نیازپور
- ۷- قتل‌های هیجانی در حقوق ایران با تأکید بر رویه قضایی  
پژوهشگر: مهدی آذربویه دینکی / استاد راهنما: دکتر حسین میرمحمدصادقی / استاد مشاور: دکتر مهدی صبوری پور
- ۸- کیفرشناختی جرایم بانکی با تکیه بر آراء قضایی  
پژوهشگر: سحر رستمی اشنی / استاد راهنما: دکتر باقر شاملو / استاد مشاور: دکتر حسین میرمحمدصادقی

# امکان خیانت در اسناد تجاری مشروط یا تضمینی

نقدی بر رأی شماره ۱۷۳۷۹۳/۰۰۰۰۳۶۳۹/۱۴۰۰

نویسندگان:

دکتر حامد رهدارپور / عضو هیأت علمی دانشگاه لرستان  
فرشاد چنگایی / دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

## الف- شرح موضوع

۳- سه فقره سفته دیگر به شماره‌های ۲۵۵۳۸۹-۲۵۵۳۸۶-۵۱۸۹۸۵ نیز بدون درج تاریخ انجام تعهد و با درج عبارت «سفته‌های مذکور تا زمانی که دستگاه جی پی اس دوفرکانسه توسط آقای علی (متهم) به آقای یاسر(شاکی) تحویل داده شود سپس سفته‌های مذکور پاس شود» تحویل مشتکی عنه شده است.

## ب- روند قضایی پرونده

۱- آقای علی (متهم) طی دادخواستی تمام سفته‌های مذکور را تحت پرونده کلاسه ۹۸۰۶۱۸ در شعبه ۱ شورای حل اختلاف شهید قدوسی و متعاقباً در شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان مطالبه می‌نماید و شاکی نیز با تنظیم شکوائیه و مستند به شهادت شهود و مفاد سفته‌ها مدعی است که اولاً شرط پرداخت سفته‌های بند ۲ محقق نشده و حسب استعلام موجود، کارفرما

۱- شاکی بعد از برنده شدن در مناقصه مربوط به پروژه جهاد کشاورزی، علی (مشتکی عنه) را به عنوان سرپرست عملیات نقشه برداری و نماینده تام‌الاختیار خود در کلیه امور فنی پروژه، انتخاب و به مدیریت جهاد کشاورزی و آب و خاک معرفی می‌کند.

۲- یاسر (شاکی) ۴ فقره سفته به شماره‌های ۵۱۸۹۸۴-۵۱۸۹۸۳-۲۵۵۳۸۷-۲۵۵۳۸۸ بدون درج تاریخ انجام تعهد، در اختیار مشتکی عنه قرار می‌دهد و صراحتاً در نزد شهود آقایان علی، احمد، صادق، فرزاد و ایرج در سفته‌های مذکور قید می‌کند «سفته‌های مذکور مادامی که صورت وضعیت آب و خاک از طرف کارفرما (مدیریت اب و خاک جهاد کشاورزی استان) تایید و تعیین تکلیف گردد، قابل پرداخت نمی‌باشند» و این امر به امضای شاکی، مشتکی عنه و احدی از شهود رسیده است.

است. شاکی در ادامه اظهارات خود عنوان داشته است با متهم به صورت شفاهی جهت نقشه برداری قرارداد منعقد نموده‌ام و قرارداد در سال ۱۳۹۵ منعقد شده که کارفرما جهاد کشاورزی مدیریت آب و خاک باید آن را تأیید می‌نمود که به علت نقص، تأیید نشده است و سه فقره از سفته‌ها بابت تضمین خرید دستگاه جی پی اس دو فرکانسه بوده است. آقای صادق (شاهد) در اظهارات خود در صفحه ۴۰ پرونده اظهار داشته است شاکی یک دستگاه دوربین نقشه برداری به قیمت بیست میلیون تومان را از آقای علی (متهم) خریداری کرده و مبلغ بیست میلیون تومان سفته را شاکی به متهم جهت ضمانت ثمن معامله داده است و مبلغ سی میلیون تومان سفته شاکی به متهم جهت تضمین پرداخت طلب متهم بوده است که در خصوص قرارداد طرح آب و خاک بوده است و چون اجرای طرح با متهم بوده و مورد تأیید جهاد کشاورزی قرار نگرفته، متهم جهت رفع نقص اقدام نموده و شاکی جهت تضمین پرداخت حق العمل مبلغ سی میلیون تومان سفته به متهم داده آقای احمد در اظهارات خود در صفحه ۴۲ پرونده عنوان گواه عنوان داشته است، شاکی سی میلیون تومان سفته به عنوان ضمانت پرداخت حق العمل به متهم داده است تا نسبت به رفع نقص پروژه (طرح) اقدام نماید و مبلغ بیست میلیون تومان مابقی سفته‌ها جهت تضمین خرید دوربین به متهم داده است و امانت نبوده است. آقای علی بعنوان گواه در صفحه ۴۳ و ۶۷ پرونده اظهارات خود را همانند گواهان دیگر بدان نحو بیان می‌نماید. آقای فرزاد در صفحه ۶۹ پرونده به عنوان گواه بیان داشته است شاکی و متهم یک پروژه مشترک داشتند قرار شد متهم کار را به اتمام برساند و شاکی چند فقره حدوداً ۶ یا ۷ فقره سفته به مبلغ سی میلیون تومان را جهت پرداخت حق العمل کار به متهم داد، پروژه تأیید نشده است، مبلغ بیست میلیون تومان سفته را شاکی جهت خرید دوربین از متهم به ایشان تحویل داد، الان دوربین تحویل نشده است. متهم در دفاع از خود بیان داشته است بنده هفت فقره سفته جمعاً به مبلغ پنجاه میلیون تومان بابت طلبی که از آقای یاسر (شاکی) از ایشان تحویل گرفته و سفته‌ها امانی نبوده است و به صورت اشتراکی کاری داشته‌ایم و برای شاکی در پروژه کار کرده‌ام و سه فقره سفته به مبلغ بیست میلیون بابت ثمن معامله یک دوفرکانسه بوده است که با توجه به پیامک‌های موجود که ضم پرونده می‌باشد دستگاه تحویل شاکی شده GPS دستگاه و شاکی دستگاه را معاوضه کرده است. وکیل متهم جهت اثبات بی گناهی موکل خود تقاضای استعلام از جهاد کشاورزی استان (مدیریت آب و خاک) نموده که در جوابیه استعلام واصله مشخص گردیده است که شاکی بابت قرارداد منعقد ۱۳۵ میلیون تومان از جهاد کشاورزی بابت اجرای پروژه

صراحتاً صورت وضعیت پروژه مذکور را رد نموده است، ثانیاً شرط پرداخت سفته‌های بند ۳ نیز که عبارت بوده از « تحویل دستگاه جی پی اس دو فرکانسه توسط مشتکی عنه به شاکی » انجام نگردیده است و مستند به ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی به اتهام خیانت در امانت تقاضای پیگرد قانونی متهم را می‌نماید.

۲- پرونده مطروحه ابتدا جهت حصول صلح و سازش به شورای حل اختلاف و سپس به شعبه ۱۱ دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ارجاع می‌گردد. دادیار محترم بعد از اینکه دلایل شاکی را در انتساب اتهام به مشتکی عنه کافی می‌داند نامبرده را به عنوان متهم احضار، اظهارات وی را اخذ و با تأمین کیفری از نوع وثیقه ایشان را آزاد می‌نماید. دادیار محترم مستند به متن مندرج در سفته‌ها، امانی بودن، شهادت شهود و نتیجه استعلام از کارفرما مبادرت به صدور قرار جلب به دادرسی به اتهام خیانت در امانت ۷ فقره سفته می‌نماید. پرونده مذکور بعد از تأیید دادستان به دادگاه عمومی و انقلاب شهرستان ارجاع و در شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری دو شهرستان ثبت و بعد از تعیین جلسه و استماع دلایل طرفین به شرح ذیل مبادرت به صدور رای شماره ۱۴۰۰۳۶۳۹۰۰۰۰۱۷۳۷۹۳ می‌نماید.

### ج- رأی دادگاه بدوی

در خصوص اتهام آقای علی فرزند نوربخش دایر بر خیانت در امانت  
۲۵۵۳۸۹ - ۵۱۸۹۸۵ - ۲۵۵۳۸۶ - ۲۵۵۳۸۷ - ۲۵۵۳۸۸ - ۱۵۱۸۹۸۳ - هفت فقره سفته به شماره های ۱۵۱۸۹۸۴ جمعاً به مبلغ پانصد میلیون ریال موضوع شکایت آقای یاسر فرزند ایرج با این توضیح که شاکی در اظهارات خود عنوان داشته است که سفته‌ها به صورت امانت در ید متهم قرار گرفته است و متعهد گردیده در صورتی که کارفرمای طرف قرارداد، پروژه (مدیریت آب و خاک جهاد کشاورزی استان لرستان) را تأیید نمود و کارفرما نسبت به تسویه حق الزحمه با اینجانب اقدام نمود عیناً وجه مندرج در سفته‌های تودیعی و امانی سه فقره از سفته‌ها به مبلغ جمعاً سیصد میلیون ریال پرداخت نمایم در صورتی که کارفرمای مذکور تا کنون پروژه را تأیید ننموده که علت آن عدم انجام تعهد متهم بوده و باعث خساراتی از جمله جریمه تأمین اجتماعی و مالیات بر ارزش افزوده و غیره گردیده و مستحق دریافت وجوه مذکور نبوده چون پروژه به اتمام نرسیده است و در خصوص سه فقره دیگر سفته‌ها به مبلغ جمعاً دویست میلیون ریال مربوط به تحویل یک دستگاه جی پی اس دو فرکانسه نقشه برداری بوده که متهم اقدام به تحویل آن ننموده و اقدام به اجرا گذاشتن تمامی سفته‌ها نموده

علت عدم تأیید صورت وضعیت توسط کارفرما غیرقابل پرداخت اعلام شده است. شاکای در ارتباط با تعیین تکلیف صورت وضعیت قسمت باقی مانده پروژه اقدام به استعلام از کارفرما نموده که طی آن کارفرما نه تنها صورت وضعیت مذکور را تأیید نکرده بلکه آن را نپذیرفته و به صراحت رد نموده است. قاضی محترم صادرکننده رای بدوی اشتباهاً به جای استعلام نتیجه بررسی صورت وضعیت پروژه، مبادرت به استعلام مبالغ دریافتی شاکای از کارفرما نموده و بر مبنای آن رأی صادر کرده است امری که نه ارتباطی با شرط مندرج در سفته‌ها داشته و نه اصولاً پرداخت سفته‌ها منوط به آن بوده است.

۳- ماهیت سفته‌ها؛ شبهه امانی نبودن سفته‌های تضمینی یا مشروط

در صورت پذیرش بند ۱ و ۲ مبنی بر عدم تحقق شروط مندرج در سفته‌ها و فرا نرسیدن زمان انجام تعهد، این نتایج حاصل است که اولاً متهم حسب توافق فی مابین نمی‌بایست تا زمان تحقق شروط، سفته‌های مذکور را مطالبه می‌نمود ثانیاً با این پیش فرض، موضوع پرونده حاضر عبارت خواهد بود از سفته‌های مشروطی که متهم با وجود عدم تحقق شرط، مبادرت به مطالبه آنان نموده است. لذا تحلیل و تطبیق ماقوع با ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی در گرو بررسی ماهیت سفته‌های مذکور است. گرچه نحوه استناد قاضی به اظهارات شهود به ویژه اشاره ایشان به اظهارات شهود دال بر ضمانتی بودن سفته‌ها و نه امانی بودن آنان، ذهن را به این سو می‌برد که گویا پیش فرض قاضی صادر کننده رأی بر این امر بوده که سفته‌های مذکور، امانی محسوب نمی‌شود که این پیش فرض نتیجه‌ای جز انتفای شرط امانی برای سفته‌های مذکور و عدم تحقق جرم خیانت در امانت در پی نخواهد داشت.

در فرضی که بپذیریم سفته‌های تحویلی ماهیتاً اصل پرداخت محسوب می‌شوند، می‌توان شرط سپردن امانی برای چنین اسنادی را مفقود و امکان خیانت در امانت را منتفی دانست زیرا در چنین فرضی مال به عنوان مالکیت تسلیم دیگری می‌شود و در قالب تصرف مالکانه حق هرگونه مداخله‌ای (عملی و حقوقی) را خواهد داشت (منصور آبادی، ۱۳۸۰: ۲۳). اما فرض مذکور منتفی است؛ زیرا در این صورت، طلب پرداخت شده محسوب می‌گردد در حالی که اشتباه بودن چنین فرض و استدلالی روشن است. با این تفسیر سفته‌های مذکور نه اصل پرداخت بلکه تعهد به پرداخت محسوب و ماهیتاً مشروط و تضمین ملبغ مذکور بوده و نمی‌توان آن را با خود عوض قرارداد و متعلق به دارنده آن (به گونه‌ای که وصف امانی از آن سلب گردد) دانست، زیرا

دریافت نموده است. لذا دادگاه توجهاً به دفاعیات متهم و وکیل وی، اظهارات گواهان و استعلام بعمل آمده از جهاد کشاورزی استان، متن پیامک‌های رد و بدل شده بین شاکای و متهم در صفحه ۱۱۴ پرونده که حکایت از خرید دستگاه جی پی اس برای شاکای داشته و مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اصل برائت حکم برائت متهم صادر و اعلام می‌گردد. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان می‌باشد.

د- تحلیل و نقد رأی شماره ۱۷۳۷۹۳/۰۰۰۰۳۶۳۹۰۰۰۰/۱۴۰۰

۱- فقدان دلیل متقن در تحویل دستگاه جی پی اس به شاکای

مشتمکی عنه در ارتباط با اتهام خیانت در امانت در سه فقره سفته شماره ۲۵۵۳۸۹-۲۵۵۳۸۶-۵۱۸۹۸۵ بیان داشته که دستگاه پیش‌بینی شده در سفته‌ها، خریداری و تحویل شاکای شده است و برای اثبات ادعای خود به پیامک‌های رد و بدل شده فی مابین خود و شاکای استناد جسته و قاضی محترم نیز در استدلال مندرج در رأی اصداری بیان داشته «... متن پیامک‌های رد و بدل شده بین شاکای و متهم در صفحه ۱۱۴ پرونده که حکایت از خرید دستگاه GPS توسط متهم برای شاکای می‌باشد...» و با همین استدلال نسبت به اتهام متهم در ارتباط با سفته‌های مذکور حکم برائت صادر نموده است، این در حالی است که قاضی محترم از مجموع پیامک‌های ارسالی صرفاً خرید دستگاه مذکور را تأیید نموده و به تحویل دستگاه که شرط اصلی پرداخت سفته بوده استنادی نداشته است؛ چرا که پیامک‌ها صرفاً دلالت بر خرید داشته و نه تحویل آن به شاکای. جای تعجب است که قاضی محترم با علم به اینکه اولاً شرط پرداخت سفته‌ها تحویل دستگاه بوده و نه صرف خرید آن ثانیاً مدارک استنادی مشتمکی عنه دلالتی بر تحویل سفته‌ها به شاکای ندارد، مبادرت به صدور رأی برائت متهم نموده است!

۲- اشتباه قاضی در نوع استعلام

قانوناً مبالغ پرداختی به پیمانکار در چند نوبت و متعاقب پیشرفت پروژه، وصول صورت وضعیت و بعد از تأیید آن توسط کارفرما صورت می‌گیرد. مبلغ قرارداد موضوع اجرای پروژه مذکور ۱۹۰ میلیون تومان بوده که از این مبلغ ۱۳۵ میلیون پرداخت و مابقی آن به

### منابع

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲) جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ سی و هفتم، تهران، نشر میزان
- منصورآبادی، عباس (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی خیانت در امانت و اختلاس، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره اول، پاییز.
- نظریه شماره ۴۱۱/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۵/۳۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه

این اسناد با توجه به ماهیت آن تا زمان حصول شرط و فرارسیدن موعد پرداخت موجب استقرار حق دارنده نشده و در نتیجه سفته‌ها در ید وی امانی محسوب می‌گردد (ر ک نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، ۱۴۰۰) به عبارتی تا تحقق شرط، حق مطالبه سفته‌ها برای متهم وجود نداشته و حتی در صورت عدم امکان دائمی تحقق شرط، وی می‌بایست سفته‌های مذکور را مسترد نماید. لذا می‌توان گفت حق مطالبه مشروط نافی رابطه امانی تا زمان تحقق شرط نیست و خیانت در امانت در نوشتجاتی از قبیل سفته و چک و قبض که در حقیقت وسیله تحصیل مال می‌باشند، نیز قابل تحقق است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۸۱).

### نتیجه

مقوله امانت و خیانت نسبت به آن در عرف و قانون به عنوان رفتاری ممنوع و واجد واکنش قانونی و عرفی شناخته می‌شود و این مهم نیز می‌بایست در رسیدگی‌های قضایی و آرای اصرداری محاکم جلوه نماید. قضات با توسل به اصول تفسیر قوانین و تطبیق مواقع با قانون در پی کشف اراده واقعی قانونگذار و صدور آرای نهایی بر آن مینا خواهند بود. چنین آرای نه صرفاً استنباط ناقص از مواد و نه تمسک ابتدایی ایشان به تفسیر به نفع متهم بوده بلکه حاصل تلاش قاضی است که نمودی از اراده واقعی قانونگذار در عمل خواهد شد. تمثیلی بودن موضوع خیانت در امانت در عین حصری بودن رفتار این جرم، زاینده این اصل است که تصاحب، تخریب، تلف و استعمال به ضرر مالک می‌تواند به شرط سپردن، نسبت به هر مال منقول یا غیرمنقولی رخ دهد و پیچیدگی برخی روابط حقوقی، شیوه‌های مختلف انجام رفتارهای خیانت و انواع متعدد اموال، باعث شده تا در برخی مصادیق به علت حاکم شدن شبهه انتفای موضوع و یا انتفای وصف امانی، آرای صادر گردد که مغایر و در تضاد با اراده واقعی قانونگذار باشد. اسناد تجاری تضمینی و یا مشروط از جمله مواردی است که در آرای متعدد قضایی صریحاً یا ضمناً فاقد وصف امانی فرض شده و برخورد مالکانه یا هر رفتار حصری ماده ۶۷۴ در ارتباط با آن فاقد وصف خیانت در امانت تلقی گردیده است در حالی که چنین اسنادی ماهیتاً تعهد پرداخت محسوب و به مانند سایر اموال می‌تواند مصداقی از موضوع جرم خیانت در امانت قرار می‌گیرند.

# آسیب‌شناسی وضعیت بانکداری خصوصی در ایران از منظر سیاست جنایی

نویسنده: حمیدرضا حیدرپور

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه عدالت

## چکیده

## مقدمه

صنعت بانکداری، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی در بسیاری از کشورهاست و اساساً در دنیای امروز، از جمله اصلی‌ترین شاخص‌های ارزیابی و تحلیل کارآیی اقتصادی ملی نیز وضعیت سپرده‌گذاری‌های داخلی و خارجی در بانک‌هاست. از سوی دیگر، امروزه، نظام‌های بانکداری، با تحولات مهمی روبرو شده‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، بانکداری خصوصی است. دولت‌ها به هر دلیلی، گاه مایل یا قادر به فعالیت همه‌جانبه در صنعت بانکداری نیستند و لاجرم، اداره سیستم بانکداری را به بخش‌ها و ساختارهای غیر دولتی واگذار می‌کنند و خود، بیشتر در مقام متصدی، به امر قاعده‌گذاری حقوقی برای صنعت بانکداری خصوصی مبادرت می‌ورزند. بانک‌های خصوصی و بانکداری خصوصی، در صدد کاستن از میزان و سطح مداخله دولت و نهادهای دولتی در سیستم بانکداری است. با این حال، هنوز در برخی موارد، نسبت به برون‌سپاری سیستم اداره و مدیریت بانکداری، نگاه‌های بدبینانه‌ای وجود دارد. این، شاید به دلیل موارد متعدد سوء استفاده‌های مالی و فسادهای کلان اقتصادی است که گردانندگان بانک‌های خصوصی، نه فقط در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر، مرتکب و موجب شده‌اند که قضاوت افکار عمومی در مورد آن‌ها همیشه مثبت نباشد. همین بزهکاری‌ها موجب شده‌اند که بانکداری خصوصی،

یکی از مهم‌ترین تحولاتی که نظام بانکداری در دوران معاصر تجربه کرده، تأسیس و فعالیت بانک‌های خصوصی است. با اینکه برخی کارشناسان، بانک‌ها و بانکداری خصوصی را آفتی برای نظام بانکداری ملی محسوب می‌کنند ولی برخی دیگر، آن را یک مزیت برای نظام اقتصادی و مالی و پولی دانسته و ضرورت پایه‌ریزی و استقرار نظام بانکداری خصوصی را یادآور شده‌اند. در عین حال، در رویکردهای موافق بانکداری خصوصی، همواره بر لزوم نظارت مستمر و هدفمند و موثر بر فعالیت بانک‌های خصوصی، قبل از شروع فعالیت تا پایان فعالیت آن‌ها، تأکید شده است. این مهم، در سطح فراملی و در رویکرد اسناد مربوطه و نیز نهادهای فعال در عرصه پولی و مالی نیز متجلی است. با این حال، نقش و کارکرد حقوق کیفری و سیاست جنایی در تنظیم و اجرای بهتر و موثرتر نظام بانکداری خصوصی و آسیب‌شناسی وضعیت فعلی این بانک‌ها و این نوع بانکداری در کشور ما از این منظر، کمتر مورد توجه بوده است. نوشتار حاضر، کوشیده است ضمن مطالعه استانداردهای بین‌المللی ناظر بر این نوع بانکداری، وضعیت آن را در ایران و از منظر سیاست جنایی، آسیب‌شناسی کند.

## کلیدواژه‌گان:

بانکداری خصوصی، اسناد بین‌المللی، نهادهای بین‌المللی، نظارت، جرائم اقتصادی، سیاست جنایی.

امروزه، موضوع حقوق کیفری و سیاست جنایی نیز قرار گیرد. در سطح بین‌المللی نیز تا به حال، استانداردهای مهمی در مورد نحوه اجرای بانکداری خصوصی به تصویب رسیده و در بسیاری از کشورها به اجرا درمی‌آیند که یکی از اهداف اصلی آن‌ها، پیشگیری از ارتکاب فسادها و جرائم مالی در عرصه بانک‌های خصوصی است که موضوع بنیادین در سیاست جنایی راجع به فعالیت بانک‌های خصوصی است. سوال این است که آیا نظام بانکداری خصوصی در ایران، توانسته خود را با این استانداردها سازگار ساخته و به وضعیت مطلوبی در این زمینه، نائل آید یا خیر؟ به منظور پرداختن به این مقولات، ابتدا رویکردهای فراملی مطرح در مورد بانکداری خصوصی، مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. سپس، نظام بانکداری خصوصی در ایران از منظر سیاست جنایی، آسیب‌شناسی خواهد شد. در سطح فراملی، رویکردهای مهم و قابل توجهی در زمینه نحوه فعالیت بانک‌های خصوصی وجود دارد که باید به آن‌ها پرداخت.

## ۱- رویکردهای فراملی مطرح در مورد بانکداری خصوصی

### ۱-۱ کنوانسیون مریدا

یکی از مواردی که کنوانسیون مریدا به آن پرداخته و اقدام تمام دولت‌ها برای مقابله با آن را خواستار شده، فساد در بخش خصوصی و از جمله در صنعت بانکداری خصوصی است. در جای جای این کنوانسیون از جمله ماده ۸، ماده ۱۳ و ماده ۲۲، به بحث عدم فرقه‌گذاری میان بانک‌های دولتی و بانک‌های خصوصی در احتمال وقوع مفاسد اقتصادی و مالی در آن‌ها اشاره شده است. به باور تهیه‌کنندگان این کنوانسیون، تکلیف دولت‌ها به مقابله منجسم و هدفمند و موثر با پدیده فساد مالی، بانک‌ها و بانکداری خصوصی را نیز دربرمی‌گیرد. (شیخانی، ۱۳۹۰، ۳۸) در این سه ماده، بر این نکته تأکید شده که یکی از وظایف دولت‌ها، تصویب قوانین و مقررات و نیز تهیه دستورالعمل‌هایی است که فساد مالی در بانک‌ها و صنعت بانکداری خصوصی را ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی کرده و مبارزه موثر و همه‌جانبه با این پدیده را سازمان‌دهی کنند. به اعتقاد این مواد از کنوانسیون، حجم سرمایه‌های وارد یا معرفی شده و یا در گردش این بانک‌ها باید همواره تحت نظارت و کنترل مستمر دولت‌ها باشد. (عزیزنژاد و همکاران، ۱۳۹۸، ۳۳)

### ۱-۲ کمیته بازل

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که کمیته بازل در راستای تنظیم و تعیین سازوکارهای گردش سرمایه در نظام‌های بانکی به آن مبادرت می‌ورزد، ارائه دستورالعمل‌های سالانه است. (سید،

۱۳۸۹، ۴۹) در جدیدترین دستورالعمل صادره از سوی کمیته بازل در سال ۲۰۱۹،<sup>۱</sup> تحت عنوان اصول اساسی بازل، این کمیته، به دنبال ایجاد و استقرار و تثبیت یک نظام ارزیابی و اعمال کنترل دقیق روی سیستم‌ها و نظام‌های بانکی است و ۲۵ اصل اساسی و بنیادین را در این زمینه پیشنهاد کرده است. (عبده تبریزی، ۱۳۹۲، ۸۴) به طور کلی، این اصول در ۷ دسته جای می‌گیرند: اصول ناظر بر شفافیت (اصل ۱)، اصول ناظر بر صدور مجوزها (اصول ۲ تا ۵)، اصول ناظر بر الزامات احتیاطی (اصول ۶ تا ۱۸)، اصول ناظر بر ساختار و تشکیلات نظام بانکی (اصول ۱۹ تا ۲۱)، اصول ناظر بر روش‌های نظارت مستمر بانکی (اصول ۲۱ تا ۲۲)، اصول ناظر بر حسابداری و افشا (اصل ۲۳)، اصول ناظر بر اختیارات ناظران در زمینه اجرای راهکارهای اصلاحی و ترمیمی (اصل ۲۴) و اصول ناظر بر نظارت یکپارچه برون‌مرزی (اصل ۲۵). (عرفانی و جعفری، ۱۳۹۴، ۸۸) کمیته بازل کوشیده است مجموعه‌ای از اصول و سازوکارهای قابل اجرا برای تنظیم بهتر عملکرد نظام‌های بانکی ملی را پیشنهاد دهد. برخی از اصول و سازوکارهایی که این کمیته پیشنهاد کرده، مربوط به نحوه عملکرد بانک‌های خصوصی و تنظیم نحوه فعالیت در نظام بانکداری خصوصی است. به ویژه در اصل ۱، صریحاً اعلام شده که اصل شفافیت عملکردی شامل بانک‌های خصوصی نیز می‌شود و هیچ دلیلی برای استثناء کردن این بخش از نظام بانکی از اصل عالی و مافوق شفافیت، وجود ندارد. (بانک مرکزی، ۱۳۸۹، ۲۹) (زمانی، ۱۳۹۸، ۴۱) همچنین در اصل ۴، در رابطه با صدور مجوزها، صریحاً اعلام شده که بانک‌های مرکزی باید تلاش کنند تمام گریزگاه‌های فرار از قانون در مورد فرایند صدور مجوزهای فعالیت بانک‌های خصوصی را مسدود کنند. این کمیته پیشنهاد می‌کند بانک‌های مرکزی، با تشکیل کارگروه‌هایی، فرایند معرفی سرمایه تا وارد چرخه گردش کردن آن‌ها و نیز نحوه هزینه‌کرد و به اشتراک‌گذاری سرمایه‌ها در بانک‌های خصوصی را به دقت زیر نظر قرار داده و این صلاحیت را به اندازه کافی داشته باشند که بتوانند زمینه‌ها و بسترهای فرار از قانون را در زمینه صدور مجوزها به مراجع قضایی ذی‌صلاح ملی گزارش کنند. در واقع، کمیته کوشیده است نظام ارزیابی سرمایه در بانک‌های خصوصی را نه از زمان شروع فعالیت‌ها بلکه از قبل از آن، به اجرا گذارند. (بانک مرکزی، ۱۳۸۹، ۴۱) همچنین، در اصل ۱۲، در قالب الزامات احتیاطی، این کمیته پیشنهاد کرده است که بانک‌های مرکزی، باید به اندازه کافی از متولیان و متصدیان بانک‌های خصوصی، تضمینات لازم برای فعالیت سالم اقتصادی و نیز تضمینات کافی برای اجرا گذاردن ضمانت‌های احتیاطی در فرض انحراف بانک‌های خصوصی از قوانین و مقررات بانکی را دریافت کنند. از سوی دیگر، در قسمتی از اصل ۲۱، صریحاً بانک‌های خصوصی نیز مشمول اصل کلی نظارت مستمر بر عملکرد بانک‌ها اعلام

۱. به علت مشکلات ناشی از پیدایش بیماری کوید ۱۹، دستورالعمل این کمیته در سال ۲۰۲۰، هنوز صادر نشده است.

کشورهای عضو در نزدیک‌تر کردن اقتصادهای ملی کشورهای عضو این سازمان تأکید شد. یکی از اصول و مولفه‌های مورد اشاره در این بیانیه، تشکیل بانک‌های خصوصی در کنار بانک‌های دولتی با مشارکت افسار متمول و متمکن جامعه و یا فعالان اقتصادی بود. حتی این پیشنهاد، مطرح و پذیرفته شد که اقتصادهای ملی کشورهای عضو این سازمان، تلاش کنند تا بانک‌های خصوصی مشترک میان یکدیگر تأسیس کنند. (رحمتی، ۱۳۹۲، ۳۸) از سوی دیگر، تصریح و تأکید شد که در مورد بانک‌های خصوصی، باید اصولاً با حساسیت بیشتری با موضوع روبرو شد. به اعتقاد کشورهای عضو این سازمان، بانکداری خصوصی باید با رعایت تمام جوانب احتیاط و بر اساس این موضوع که نظارت‌ها و پایش‌ها نسبت به نظام بانکداری خصوصی، باید به صورت پیوسته و هدفمند انجام پذیرد تا زمینه‌های سوء استفاده‌های مالی و ارتکاب جرائم مالی و فسادهای کلان مالی و پولی، هر چه بیشتر در میان فعالان بانکی کمتر شود، عملیاتی گردد. (سیروس، ۱۳۸۹، ۴۹)

### ۱-۶ کمیته پول و مبادلات مالی آمریکای شمالی

یکی از مهم‌ترین وظایف و صلاحیت‌های این کمیته، اقدام به رصد و پایش همیشگی نهادهای فعال در عرصه بانکداری است. این کمیته می‌کوشد با بررسی دقیق عملکرد بانک‌های مرکزی کشورهای عضو و تحت پوشش، هر ساله، گزارشی از این عملکرد منتشر و نقاط ضعف و آسیب‌پذیری نظام‌های بانکداری کشورهای عضو یا تحت پوشش را به آن‌ها گوشزد کند. (ارجمندی، ۱۳۸۹، ۸۴) از جمله در گزارش مفصل منتشره در سال ۲۰۱۵، چند مورد ارتکاب تخلف از سوی بانک‌های مرکزی کشورهای برزیل و کلمبیا در صدور مجوز فعالیت برای چند بانک خصوصی، شناسایی شد و به اطلاع مقامات این کشورها رسید. (محرابیان، ۱۳۹۳، ۸۵) در این گزارش، به صراحت ذکر شد که حساسیت‌ها در مورد بانکداری خصوصی، نسبت به بانکداری دولتی، بیشتر است زیرا اصولاً سهامداران یا مشتریان یا گردانندگان این بانک‌ها خود را رها از قید و بندهای بانکداری دولتی می‌پندارند و از سوی دیگر، افزایش فعالیت‌های آن‌ها چه بسا سودهای سرشار را نصیب سهامداران و مشتریان و گردانندگان آن‌ها نماید و همین امر، وسوسه سوء استفاده‌های مالی و ارتکاب جرائم فسادآمیز از سوی آن‌ها را بیشتر نماید.

(Bikker and Haff, 2016, 133)

همچنین، در این گزارش، این امر مورد تصریح قرار گرفته است که نظام بانکداری خصوصی، باید به نحوی از سوی مقامات و دست‌اندرکاران دولتی به ویژه در بانک‌های مرکزی ملی، ساماندهی شود که شرایط و زمینه برای ارتکاب سوء استفاده‌های مالی در بانک‌های خصوصی، به صفر برسد. به اعتقاد تهیه‌کنندگان این گزارش، گاه فعالیت بانک‌های خصوصی، پوششی برای ارتکاب جرائم مالی گسترده است و لذا فعالیت این بانک‌ها باید موضوع نظارت‌ها و کنترل‌های

شده‌اند و نیز در اصل ۲۳ مقرر شده است که بانک‌های خصوصی، باید همانند بانک‌های دولتی، تحت نظام منسجم و هماهنگ حسابداری و افشا که به موارد تخطی از اصول و موازین فنی راجع به حسابداری و افشای موارد گریز از قانون مربوط می‌شود، قرار گیرند.

(Adrian and Atkinson, 2010, 114)

بنابراین، به نظر می‌رسد اصولاً کمیته بازل، فرق چندانی میان بانک‌های دولتی و بانک‌های خصوصی از جهت حاکمیت اصول و موازین بانکداری شفاف، کارآمد و اثربخش قائل نیست و بلکه شاید حساسیت این کمیته نسبت به بانک‌ها و بانکداری خصوصی از این حیث، بیشتر هم باشد. (فرجی و رفیعی شمس‌آبادی، ۱۳۹۰، ۴۹)

### ۱-۳ کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF)

این کارگروه در برخی از دستورالعمل‌های صادر شده از سال ۲۰۱۲ به این سو، سعی کرده است حساسیت خود روی عملکرد و فعالیت بانک‌های خصوصی را نشان دهد. مثلاً در دستورالعمل مصوب ۲۰۱۳ و یا دستورالعمل مصوب ۲۰۱۵ و نیز دستورالعمل مصوب ۲۰۱۸ خود، به این نکته تصریح کرده که فعالیت بانک‌های خصوصی، باید تحت نظارت سامانه‌های کنترل عملکرد منسجم و دقیق و هدفمند قرار گیرد. به عقیده این کارگروه، انباشت سرمایه‌ها در دست بانک‌های خصوصی، به شدت می‌تواند خطرآفرین باشد لذا لازم است که بانک‌های مرکزی، اصل نظارت مستمر و نیز اصل تضمین شفافیت عملکرد بانک‌های خصوصی را در عمل به نحو موثر به اجرا گذارند. (سروش، ۱۳۹۸، ۴۴) (دیوانداری، ۱۳۹۱، ۱۱۴) (علوی، ۱۳۹۷، ۴۱)

### ۱-۴ کمیته پول و اعتبار مالی اتحادیه اروپا

این کمیته تا کنون کوشیده است راهکارهای عملی و قابل اجرا به منظور ارتقای حداکثری کارکردهای مثبت موسسات و نهادهای مالی و پولی فعال در سطح کشورهای عضو اتحادیه اروپا را به پارلمان اروپا پیشنهاد دهد تا در نهایت، به عنوان یک دستورالعمل مصوب دارای پشتوانه تقنینی، در این پارلمان به تصویب برسد و به کشورهای عضو این اتحادیه جهت اجرا در سطح بانک‌های ملی ابلاغ شود. (بیک‌زاده، ۱۳۹۳، ۲۸۴) دست‌کم در دو دستورالعمل صادره از سوی این کمیته، یکی در اوت ۲۰۱۱ و دیگری در دسامبر ۲۰۱۴، به لزوم نظارت همیشگی و هدفمند بر فعالیت بانک‌های خصوصی، همانند و یا حتی بیشتر از بانک‌های دولتی تصریح و تأکید شده است. (ساسان‌گهر، ۱۳۹۶، ۴۱) (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۳، ۲۲)

### ۱-۵ کمیسیون مراودات پولی و بانکی آ. سه. آن

در پایان اجلاسی که این کمیسیون در سال ۲۰۱۵ برگزار کرد، بیانیه‌ای صادر و در آن، بر نقش مهم و تأثیرگذار نظام‌های بانکی



است. به این معنی که تغییر در نظام پولی را می‌توان به تغییر در نظام بانکی ترجمه کرد و برعکس. مصادیق مختلف نظام بانکی کارآ از قبیل ارائه خدمات نوین و الکترونیکی، وجود یک سیستم باثبات و پویا، وجود رقابت‌پذیری کافی، توجه کافی به مدیریت ریسک، نرخ بهره، نقدینگی، اعتباری، حقوقی و عملیاتی، بازار، نرخ ارز و غیره، در تغییر ساختارهای کلی نظام بانکی قابل مشاهده است. (حمیدی صحنه، ۱۳۹۰، ۷۲)

از سوی دیگر، تجدید ساختار در بازار پول کشور را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: تجدید ساختار در شبکه بانکی کشور و تجدید ساختار دارایی‌ها و بدهی‌های هر یک از بانک‌های مشمول خصوصی‌سازی. تجدید ساختار در سیستم بانکی کشور به تغییر ساختارهای مدیریت پولی و بانکی، تقویت نظارت‌های دقیق و کافی، استقلال بانک مرکزی، حذف اعتبارات ترجیحی، کاهش تسهیلات تکلیفی و آزادسازی نرخ سود بانکی برمی‌گردد. تجدید ساختار بانک مشمول فرایند خصوصی‌سازی، نوعی دگرگونی در ساختار ترانزنامه بانک می‌باشد، به گونه‌ای که در اثر آن، کیفیت دارایی‌ها و بدهی‌های بانک بهبود یافته و استانداردهای بین‌المللی کمیته بازل رعایت گردد.

واضح است که دو نوع تجدید ساختار مزبور، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ به این معنا که بدون آزادسازی مالی در کل سیستم بانکی، خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی به تنهایی نمی‌تواند منجر به نتایج مطلوب گردد. اگر هدف از خصوصی‌سازی، افزایش کارایی و رقابت‌پذیری است، نمی‌توان با تحمیل تکالیف گوناگون بر بانک‌های خصوصی، آن‌ها را از فضای رقابتی دور کرد. بنابراین لازم است به همراه خصوصی‌سازی بانک‌ها، تغییر و تحولات ساختاری لازم در سیستم بانکی کشور ایجاد شود تا احتمال ملی شدن مجدد بانک‌های خصوصی شده کاهش یابد. (میری، ۱۳۸۵، ۱۱۲)

## ۲-۲ معضلات عملکردی بانک‌های خصوصی

نظارت و کنترل بر مصرف صحیح منابع بانکی، امر مهمی است که بی‌توجهی به آن، سبب بروز نابسامانی و از بین رفتن منابع بانکی و در نهایت، سبب عدم تخصیص بهینه منابع می‌گردد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین عنصر رقابت‌پذیری در بخش مالی بخصوص در بخش بانکداری، توجه ویژه به بحث مهم ریسک در آن‌هاست. یکی از مهم‌ترین انواع ریسک‌ها، ریسک اعتباری است که از زیان‌های ناشی از ناتوانی یا عدم تمایل مشتری به ایفای تعهد خویش در برابر بانک حاصل می‌گردد. در حال حاضر نیز یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی نظام بانکی کشور، افزایش نسبت مطالبات سررسید گذشته و معوق به کل تسهیلات اعطایی است که نشان‌دهنده عدم توجه به مقوله ریسک اعتباری در فرآیند وام‌دهی و همچنین نمایانگر کاهش کیفیت دارایی‌های سیستم بانکی و به تبع آن، بی‌ثباتی‌های مالی احتمالی در آینده است. (معاونت امور بانکی و بیمه، ۱۳۸۹، ۳۳)

مسائل مربوط به نحوه نظارت و کنترل بر فعالیت بانک‌های

همیشگی و سختگیرانه باشد. (جعفری، ۱۳۹۷، ۴۴)

آنچه در مورد لزوم نظارت بیش از پیش بر فعالیت بانک‌های خصوصی گفته شد، گاه در سطح بین‌المللی، در قالب یک دغدغه اصلی برای برخی نهادهای مالی و پولی مطرح است. این دغدغه، به مرور، مداخله نهادهای ذیربط در سیاست‌گذاری جنایی را نیز موجب شده است. در واقع، به سبب امکان و احتمال بالای ارتکاب جرائم فسادآلود مالی در نظام بانکداری خصوصی، حساسیت‌ها نسبت به نحوه فعالیت بانک‌های خصوصی، به شدت بالاست (فرزانی، ۱۳۹۴، ۲۹) و بدین ترتیب، تلاش برای پیشگیری از وقوع فسادهای مالی در نظام بانکداری خصوصی و نیز مقابله کیفری با این فسادها در بانک‌های خصوصی، به یک مقوله اصلی و عمده در سیاست جنایی ناظر بر نظام بانکداری خصوصی تبدیل شده است.

پس از بحث درباره رویکردهای فراملی در مورد فعالیت بانک‌های خصوصی و دغدغه‌هایی که در این باره وجود دارد، در قسمت بعد، نظام بانکداری خصوصی در ایران، از منظر سیاست جنایی، مورد آسیب‌شناسی قرار می‌گیرد.

## ۲- آسیب‌شناسی نظام بانکداری خصوصی در ایران از منظر سیاست جنایی

ذیل این عنوان، می‌توان به طور خاص، از برخی مقولات سخن گفت؛ معضلات ساختاری بانک‌های خصوصی، نظارت و کنترل بر فعالیت بانک‌های خصوصی، وضعیت بازار سرمایه و بدهی دولت به بانک‌ها. هر یک از این موضوعات، در واقع، بستر و زمینه‌ای برای وقوع فسادهای مالی در نظام بانکداری خصوصی هستند و بدین ترتیب، موضوع سیاست جنایی قرار خواهند گرفت. مفروض حاکم بر سیاست‌گذاری جنایی در عرصه بانکداری خصوصی نیز این است که با اعمال نظارت‌های کامل و کافی از قبل از تأسیس بانک‌های خصوصی و اعمال مراقبت‌های جامع و شامل نسبت به منشأ سرمایه بانک‌های خصوصی و نیز اعتبارسنجی بانیان و سپرده‌گذاران بانک‌های خصوصی، می‌توان پیشگیری مناسب و موثری از فسادهای مالی در نظام بانکداری خصوصی صورت داد. علاوه بر این، در فرض وقوع فسادهای مالی در نظام بانکداری خصوصی نیز باید مقررات کارآمدی برای مجازات‌دهی مرتکبان، وجود داشته باشد. (بیگی و همکاران، ۱۴۰۰، ۶۰-۸۳)

آسیب‌هایی که در حال حاضر و از منظر سیاست جنایی، سلامت و کارایی نظام بانکداری خصوصی در ایران را تهدید می‌کنند، می‌توان عبارت دانست از: معضلات ساختاری بانک‌های خصوصی، فقدان نظارت و کنترل کامل و موثر بر فعالیت بانک‌های خصوصی، وضعیت ناهمگون، شکننده و غیر علمی بازار سرمایه و مسأله بدهی دولت به بانک‌ها.

## ۲-۱ معضلات ساختاری بانک‌های خصوصی

معمای نظام پولی کشور با ساختارهای نظام بانکی متناظر

خصوصی را نیز باید بررسی کرد. در این باره می‌توان گفت بانک‌ها و موسسات مالی واسطه میان پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران بوده و به همین دلیل به عنوان کانال اولیه اعتباری در جامعه مطرح هستند. وجود هر گونه مشکلی در سیستم بانکداری، باعث بروز مشکلاتی در عرضه منابع پولی و اعتباری در کشور و به تبع آن، کل اقتصاد می‌شود. به دلیل وجود اثر تسری در بخش مالی بخصوص در بخش بانکداری، جلوگیری از انتقال آثار زیان‌بار مشکلات نارسایی‌های بانک‌ها به بخش‌های دیگر اقتصاد از دیگر مواردی است که اهمیت نظارت بر بانک‌ها را روشن می‌سازد.

(Maclindon, 2011, 208)

دلیل دیگری که اهمیت نظارت بر بانک‌ها را روشن می‌سازد، این است که هرچه سیستم بانکی به سمت آزادسازی حرکت کرده و از سیستم دولتی فاصله بگیرد، امکان بروز مشکلات و بحران‌های مالی به دلیل از بین رفتن تضمین‌های دولتی و خلق ریسک‌های مختلف توسط سیستم آزاد شده بیشتر خواهد شد. در این شرایط، حساسیت بازار به شرایط

جهانی بیشتر شده و هر گونه التهابی در بخش بانکی به بخش مالی و سپس به کل اقتصاد تسری پیدا خواهد کرد. بنابراین با خصوصی‌سازی چهار بانک بزرگ تجاری کشور (صادرات، ملت، تجارت و رفاه) که ۴۲ درصد از کل دارایی‌های شبکه بانکی کشور را تشکیل می‌دهند، قسمت اعظمی از تضمین‌های دولتی در سیستم بانکی به پایان رسیده و امکان بروز بحران‌های مختلف در سیستم بانکی به شدت بالا خواهد رفت. برای جلوگیری از هر گونه التهاب در سیستم بانکی کشور که می‌تواند سلامت بخش مالی و کل اقتصاد کشور را تهدید کند، موضوع نظارت و کنترل‌های مختلف اعتباری توسط بانک مرکزی در مرحله قبل و بعد از خصوصی‌سازی بیش از پیش نمایان می‌شود. در این زمینه می‌توان با استفاده از راهکار ایجاد نظام بیمه سپرده‌ها که مورد تأکید قانون برنامه چهارم توسعه نیز بوده است، در دوران قبل از خصوصی‌سازی، به حفظ اعتماد سپرده‌گذاران و همچنین پایبندی بیشتر وام‌گیرندگان به بازپرداخت تسهیلات دریافتی کمک قابل توجهی نمود.

اولین گام اساسی در جهت خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی، شفاف نمودن صورت‌های مالی و خارج کردن دارایی‌های بی‌کیفیت و زیان‌ده از دفاتر بانک‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، شفاف‌سازی دفاتر بانک‌های مشمول خصوصی‌سازی قبل از واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی بسیار مهم بوده و بایستی تصمیمات لازم در این زمینه گرفته شود. از این رو می‌توان از راهکار تأسیس شرکت‌های مدیریت دارایی جهت تسویه مطالبات و از رده خارج کردن دارایی‌های بی‌کیفیت و یا تبدیل به اوراق بهادار کردن مطالبات و ایجاد بازار ثانویه برای خرید و فروش این اوراق، به عنوان راهکاری دیگر، نام برد.

### نتیجه گیری

به نظر می‌رسد یک پیش‌نیاز اصلی فعالیت بانک‌ها به عنوان بانک‌های خصوصی یا بانک‌های خصوصی شده، آن است که آن‌ها از بودجه و منابع مالی کافی برای پاسخ‌گویی در برابر توقعات و نیازهای مالی مشتریان و سپرده‌گذاران خود برخوردار باشند زیرا عدم پاسخ‌گویی درست و کافی و جامع به این قبیل نیازها علاوه بر آنکه اساساً این بانک‌ها را در قبال مشتریان خود، ناتوان و ضعیف از اجرای تعهدات نشان می‌دهد، به راحتی این شائبه را ایجاد می‌کند که هیچ نظارتی از سوی نهادهای ذی‌ربط دولتی به ویژه بانک مرکزی بر فعالیت بانک‌های خصوصی یا بانک‌های

پایش مداوم و منسجم و هدفمند عملکرد بانک‌های خصوصی، راه‌های قانون‌گریزی از سوی آن‌ها را مشخص می‌سازد و زمینه را برای اقدام فوری از سوی نهادهای ناظر و قضایی فراهم می‌آورد.

خصوصی شده وجود ندارد و این امر، آشکارا اعتماد عمومی به کلیت نظام بانکداری کشور را خدشه دار می‌سازد. یک تحلیل آسیب‌شناسانه از وضعیت بانک‌ها و بانکداری خصوصی در کشور به ویژه زمانی که از منظر سیاست جنایی و با رویکرد پیشگیرانه به موضوع نگریسته

شود، می‌تواند ما را به این نتیجه رهنمون سازد که مهم‌ترین ابزار و سازوکاری که می‌تواند بروز آسیب‌ها در بخش بانکداری خصوصی در کشور را به حداقل و در بهترین حالت به صفر برساند، اعمال نظارت و کنترل دقیق بر عملکرد بانک‌های خصوصی، نه فقط در طول دوران فعالیت بلکه قبل از شروع فعالیت و حتی پس از خاتمه دوران فعالیت آن‌هاست. پایش مداوم و منسجم و هدفمند عملکرد بانک‌های خصوصی، راه‌های قانون‌گریزی از سوی آن‌ها را مشخص می‌سازد و زمینه را برای اقدام فوری از سوی نهادهای ناظر و قضایی فراهم می‌آورد. البته در سطحی بالاتر، باید قوانین و مقررات آسیب‌زا که زمینه را به صورت بالقوه یا بالفعل برای قانون‌گریزی و احتمالاً ارتکاب جرم‌های مالی و اقتصادی از سوی بانک‌های خصوصی - به سبب برخورداری آن‌ها از حجم عظیمی از پول و نقدینگی - مهیا می‌سازند را شناسایی و با حذف و اصلاح آن‌ها، بستر مساعد و مقدماتی بزهکاری اقتصادی و مالی را از بانک‌های خصوصی سلب کرد.

حقیقت این است که ساختارهای ناکارآمد، استفاده ناکارآمد از ظرفیت بانکداری خصوصی را نتیجه خواهد داد و در مقابل، ساختار نهادی کارآمد، استفاده کارا و مفید از بانکداری خصوصی را موجب خواهد شد. البته این موضوع به معنی نفی اثر مثبت بانکداری خصوصی در کشور نیست اما به معنی این هم نیست که بدون در نظر گرفتن ساختار نهادی، می‌توان انتظار موفقیت بانکداری خصوصی را داشت. نحوه عملکرد بانک‌های خصوصی، بیش از همه، معلول فضایی است که آن‌ها را احاطه کرده است؛ به دلیل اینکه بانک‌های خصوصی، هم به عنوان یک کنش‌گر اقتصادی و هم به عنوان یک بنگاه اقتصادی در چهارچوب حداکثرسازی منابع زیرمجموعه خودشان عمل

- خواهند کرد، نمی‌توانند از معایب و معضلات ساختار کلی بانکداری، متأثر نشوند.
- منابع**
۱. ارجمندی، عبدالمهدی، اصول نظارت بانکی موثر، انتشارات پژوهش علم، چاپ اول، ۱۳۸۹.
  ۲. اسلامی، زهرا و شهرزاد فرجی، پولشویی در موسسات مالی و راهکارهای عملی مبارزه با آن، انتشارات بانک مرکزی، چاپ ششم، ۱۳۹۳.
  ۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بهبود شفافیت در بانک ها، به کوشش عبدالمهدی ارجمندی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
  ۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تجربه بانکداری نوین با تأکید بر خصوصی سازی، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
  ۵. بیگی، حسین و همکاران، راهبردنگاری جرائم بانکی در سیاستگذاری های پولی و بانکی، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۱۱، شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰.
  ۶. حمیدی صحنه، مهدی، تاثیر ورود بانک های خصوصی بر میزان رقابت بین بانکی، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
  ۷. رحمتی، هوشنگ، نقش بانک های خصوصی بر تحولات سیستم بانکداری ایران، انتشارات بانک مرکزی، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
  ۸. زمانی، سید صادق، شفافیت در بانکداری، انتشارات بهنامی، چاپ ششم، ۱۳۹۸.
  ۹. سازمان بورس اوراق بهادار، تجربه بانکداری خصوصی در ایران، انتشارات سازمان بورس اوراق بهادار، چاپ اول، ۱۳۹۳.
  ۱۰. ساسان گهر، پرویز، گزارش عملکرد نظام بانکی کشور در رابطه با خصوصی سازی فعالیت بانکی، موسسه عالی بانکداری ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۹۶.
  ۱۱. سروش، علیرضا، اصول کمیته بازل برای نظام راهبری شرکتی سالم در بانک ها، مجله بانکداری، شماره ۱۳۳، ۱۳۹۸.
  ۱۲. سید، فرزانه، کمیته نظارت بانکی بازل و رهنمودهای آن، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۱، بهمن ۱۳۸۹.
  ۱۳. سیروس، کامبیر، نهادهای مالی بین المللی، انتشارات نور علم، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
  ۱۴. شیخانی، سعید، الزامات بانکداری غیر دولتی، مجله بانکداری، شماره ۱۸، ۱۳۹۰.
  ۱۵. عبده تبریزی، حسین، بانک های خصوصی و تجدید ساختار بانک های دولتی، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی، انتشارات بانک مرکزی، چاپ اول، ۱۳۹۲.
  ۱۶. عزیزنژاد، صمد و همکاران، آسیب شناسی نظام بانکی در ایران، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۸.
  ۱۷. علوی، سید رضا، کارگروه مالی اقدام مشترک و جایگاه آن در حقوق کیفری بین المللی در راستای مقابله با جرائم مالی و اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۷.
  ۱۸. فرجی، شهرزاد و پریسا رفیعی شمس آبادی، پیامدهای عدم اجرای کامل مقررات کمیته بازل بر اقتصاد کشور، انتشارات بانک سپه، چاپ اول، ۱۳۹۰.
  ۱۹. فرزانی، احمد، بانکداری خصوصی و وضعیت ایران، انتشارات کامران، چاپ اول، ۱۳۹۴.
  ۲۰. محرابیان، کتایون، تأثیر حضور بانک های خصوصی بر بانک های دولتی، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۳، ۱۳۹۳.
  ۲۱. معاونت امور بانکی و بیمه، نقش و عملکرد بانک های خصوصی، انتشارات وزارت اقتصاد و دارایی، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
  ۲۲. میری، اشرف السادات، بررسی موانع و مشکلات توسعه بانک های خصوصی در ایران، مجله اقتصادی، شماره ۶، ۱۳۸۵.
23. Adrian, Blundell-Wignall and Paul Atkinson, Thinking Beyond Basel III: Necessary Solutions for Capital and Liquidity, OECD journal: Financial Market Trends, Volume 112, 2010.
24. Bikker J.A and k.Haff, Measure of Competition in the Banking Industry: A review of the literature, Collins Publication, September 2016.
25. Maclindon, Marshal, Privatization and Capital Market Development, Publisher: Praeger, 2011.

# آیین نامه جدید سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی؛ گامی مؤثر رو به جلو

نویسنده: عبدالحسین سلطانی رنای

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی

است خالی از فایده به نظر نمی رسد. پر واضح است که هم در قانون اساسی و قوانین کیفری فرودست آن و هم در آیین نامه پیشین و هم در آیین نامه جدید به ممنوعیت توهین، تندخویی و اعمال خشونت و آزارهای جسمی و روحی نسبت به زندانیان و بازداشت شدگان تصریح شده و بدیهی است این موارد همواره مورد نکوهش و سرزنش عموم قرار می گیرد؛ فلذا با توجه به بدیهی بودن محکومیت چنین رفتارهایی با زندانیان و نیز وجود آثار و پژوهش های فراوانی در خصوص حقوق زندانیان در این مورد، نوشتار حاضر به این موضوع اختصاص نیافته و صرفاً به دلیل انتشار

پس از انتشار تصاویر دوربین های زندان اوین در فضای مجازی که حاوی برخوردهای ناشایست با تعدادی از محکومان و متهمان از سوی برخی کارکنان و نگهبانان این زندان بود و به دنبال آن اعلام نظرهای مختلف در خصوص این امر از سوی مراجع قانونی ذی ربط و در نهایت ارائه تضمین از سوی مسئولان قضایی کشور مبنی بر پیگیری قانونی این تخلف را در پی داشت، بررسی تکالیف مؤسسات کیفری<sup>۱</sup> از جمله زندان ها در راستای حفظ کرامت ذاتی زندانیان و نیل هدف به اصلاح و تربیت که در آیین نامه جدید اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور<sup>۲</sup> درج شده

۱. مؤسسه کیفری: که در این آیین نامه به اختصار «مؤسسه» نامیده می شود، واحدی زیرمجموعه سازمان است که متهم یا محکوم به دستور مرجع قضایی یا قانونی صلاحیت دار، بازداشت و یا برای تحمل محکومیت حبس با هدف اصلاح و تربیت و بازسازی اجتماعی در آن جا نگهداری می شود که انواع آن عبارت است از: زندان های بسته، نیمه باز، مرکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان باز، بازداشتگاه، اردوگاه کار درمانی و کانون اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان.

۲- آیین نامه مزبور در تاریخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۰ به تصویب ریاست محترم وقت قوه قضاییه رسیده است.

و ارفاقات قانونی مانند مرخصی، انتقال به زندان نیمه باز، اعزام به کار در خارج از زندان (رأی باز یا مرکز حرفه آموزی و اشتغال)، ملاقات حضوری یا خصوصی، نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط، آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و خدمات پس از خروج، بر اساس «درجه اعتباری» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- سامانه سجازا؛ تشکیل این سامانه با توجه به کارکردهایی که برای آن در این آیین‌نامه ذکر شده امری بسیار قابل تحسین است؛ زیرا در بسیاری از موارد اعمال سلیقه‌های شخصی توسط مراجع ذی‌ربط در زندان در خصوص یک فرد متهم یا محکوم که ممکن است ناشی از نوع جرم ارتكابی، تعامل وی با مسئولان و کارکنان زندان و ... باشد، مانع از بهره‌برداری او از حقوق و ارفاقات قانونی پیش‌بینی شده برای وی خواهد شد. بنابراین کارکرد این سامانه متأثر از مندرجات پرونده رفتاری فرد می‌تواند تشویقی و امتیاز بخش باشد و در سمت مقابل می‌تواند متأثر از سوءرفتار زندانی منجر به اعمال ضوابط تنبیهی و محرومیت وی از ارفاقات معموله گردد. مطابق بند س ماده ۱ آیین‌نامه «سجازا یا همان سامانه جامع اطلاعات زندانیان ایران»، سامانه‌ای است هوشمند با کمترین اعمال سلیقه شخصی، حاوی اطلاعات پرونده‌های وضعیت، رفتاری و نظارتی متهم یا محکوم، که طبقه‌بندی، برنامه اصلاح و تربیت، دریافت خدمات یا امور رفاهی درون زندان، مواعد قانونی، استفاده از ارفاق‌ها، اعمال محدودیت‌ها و تنبیهات و خدمات پس از خروج را برای هر یک از آنان در یک فرآیند مشخص از زمان ورود به مؤسسه تا یک سال پس از خروج، بررسی، تحلیل و به بخش‌های ذی‌ربط پیشنهاد می‌دهد.

### ب: شناسایی حقوق جدید برای محکومان و متهمان

پیش‌تر بیان شد که آیین‌نامه جدید سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی متأثر از یافته‌های جرم‌شناختی اصطلاحات و مفاهیم جدیدی را در خود گنجانده که پیش از آن در آیین‌نامه قبلی وجود نداشت؛ البته این تغییرات همگام با تغییر ادبیات قانون‌گذار در قوانین کیفری مانند قانون آیین دادرسی کیفری و به رسمیت شناختن حقوق بیشتری برای زندانیان امری پسندیده است ولیکن صرف آراسته نمودن عبارات و کاستن از بار منفی آن برای مترقی جلوه نمودن یک مقررره کافی نیست و می‌بایست اراده واضح آن مقررره در جهت تغییر وضع موجود مورد سنجش قرار گیرد و

تصویب آیین‌نامه جدید به برخی دستاوردها و نوآوری‌های این آیین‌نامه پرداخته خواهد شد. در همین راستا شایان ذکر است که آیین‌نامه مزبور ضمن ارائه تعاریف دقیق‌تری از مفاهیم و اصطلاحات مرتبط، متأثر از یافته‌های علم جرم‌شناسی، هم برخی نهادهای جدید را تأسیس نموده و هم وظایف مسئولان و متصدیان مؤسسات کیفری را در جهت حفظ کرامت ذاتی افرادی که تحت هر عنوان در این مراکز نگهداری می‌شوند توسعه داده است. با توجه به گستردگی مفاد این آیین‌نامه و خروج موضوعی بسیاری از مواد آن از این نوشتار، در این پژوهش صرفاً برخی نوآوری‌های آیین‌نامه جدید که همگام با اهداف بازپروانه حبس و نگهداری محکومان و متهمان و در راستای حفظ حقوق و کرامت ایشان است در دو بخش، تحت عنوان بسترها و نهادهای نوظهور از یک سو و شناسایی حقوق جدید برای زندانیان به نسبت آیین‌نامه پیشین از سوی دیگر به صورت مختصر و با ذکر دو نمونه از هر کدام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### الف: بسترها و نهادهای نوظهور

آیین‌نامه جدید از یک سو متأثر ازسند تحول قضایی و با استفاده از ظرفیت‌های سیستمی و هوشمند، سعی در به روز رسانی نحوه نظارت بر رفتار متهمان و محکومان بازداشت شده یا محبوس دارد و از سوی دیگر با ایجاد برخی مفاهیم و نهادهای جدید به دنبال سنجش تحقق اصلاح و تربیت و بازپروری که همانا یکی از اهداف حبس است می‌باشد. برخی از این موارد به شرح زیر بیان می‌گردد؛

۱- تشکیل پرونده‌ای تحت عنوان پرونده رفتاری برای شخص محکوم و یا متهم نگهداری شده در مؤسسه کیفری؛ این پرونده، جدای از پرونده شخصیت موضوع ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری است؛ در پرونده رفتاری «اطلاعات مربوط به رفتارها و سوابق عملکردی متهم یا محکوم در طول مدت بازداشت یا حبس، از حیث انجام تکالیف و مشارکت در برنامه‌های اصلاح و تربیت مؤسسه» ثبت می‌شود و ناظر به گزارش مددکار و یا پزشک و روانپزشک در خصوص شرایط خانوادگی، اجتماعی، جسمی و روانی متهم یا محکوم حین ارتكاب بزه نیست. یافته‌های پرونده رفتاری وفق بند «ز» ماده ۱ این آیین‌نامه و ماده ۸۰ آن، در کسب «نمره اعتباری» برای فرد زندانی و بهره‌مندی وی از مزایای رفاهی مانند (افزایش سقف اعتباری کارت بانکی، افزایش دفعات تماس تلفنی یا ملاقات تصویری الکترونیکی بیشتر از حقوق اولیه هر زندانی)

عبارات مذکور در بند «ژ» ماده ۴۰ و نیز صدر ماده ۱۱۵ این چنین برمی آید که اعتصاب فردی نه تنها مستوجب تنبیه و مجازات و سوء برخورد با شخص اعتصاب کننده نمی باشد بلکه در اصل تخلف هم محسوب نمی شود. این امر با توجه به اینکه بعضاً اعتصاب فردی کارکردهای مثبتی جهت جلب توجه مقامات قضایی در رسیدگی ویژه به پرونده‌هایی که متهم یا محکوم تظلم‌خواهی نموده و احساس می کند در حق وی رعایت عدالت نشده، دارد می تواند به عنوان گامی رو به جلو در شناسایی حقوق متهمین و محکومین و تأمین کرامت و عزت ایشان تلقی گردد.

این امر میسر نمی شود مگر اینکه در آن مقرر الزامات و پیش‌زمینه‌های این تغییر به رسمیت شناخته شود. آیین‌نامه جدید بارها از عباراتی نظیر «عزت و کرامت انسانی»، «حقوق و آزادی‌های مشروع»، «حقوق بشر» و «حقوق شهروندی» و نیز ضرورت حفظ و پاسداشت از این حقوق استفاده کرده است. با نگاهی منصفانه به این آیین‌نامه می توان در مواردی به شرح زیر اراده تغییر وضع موجود و تحقق این ارزش‌ها با توجه به برخی از مواد این آیین‌نامه را دریافت.

۱- ممنوعیت انگشت‌نگاری از متهمان؛ در ماده ۵۳ آیین‌نامه پیشین، تصریح شده بود که کلیه پرونده‌های محکومان و متهمان می‌بایست حاوی برگ انگشت‌نگاری باشد. اگرچه انگشت‌نگاری از محکومین جهت ثبت پرونده سوابق کیفری آنان و امکان شناسایی راحت‌تر آنان در صورت تکرار بزه امری مرسوم و قابل دفاع است ولیکن در خصوص شخص متهمی که در برخی موارد ممکن است در اثر سهل‌انگاری ضابط یا مقام تحقیق در فرایند اتهامی قرار گرفته و یا قربانی کینه‌توزی یک شاکی با ارائه شکایتی بلاوجه بوده و امکان دفاع مناسب از خود را در اندک زمان جلب و بازداشت تا تفهیم اتهام را نداشته و متعاقب آن به بازداشتگاه منتقل شده است، انگشت‌نگاری امر صحیحی به نظر نمی‌رسد؛ چه بسا پس از رفع قطعی اتهام از وی، در مواردی که استعمال سوء پیشینه کیفری لازم باشد به اشتباه وی دارای پیشینه کیفری سوء معرفی گردد. در همین راستا تبصره ۱ ماده ۵۶ آیین‌نامه جدید: (انگشت‌نگاری از «متهمان»، ممنوع است مگر این که از طریق شماره ملی یا راه‌کار مشابه مانند استفاده از روش‌های نوین و مناسب و شیوه‌های مدرن مانند روش‌های الکترونیک و زیست‌سنجی (بیومتریک) احراز هویت ممکن نباشد. در صورت محکومیت متهم و پس از ابلاغ رای محکومیت یا وصول برگ اعلام محکومیت، اعم از قطعی و غیر قطعی، محکوم‌علیه از بازداشتگاه حسب مورد به یکی از مؤسسه‌های کیفری منتقل و در مرحله پذیرش، انگشت‌نگاری می‌شود).

۲- شناسایی حق اعتصاب انفرادی؛ ماده ۱۶۷ آیین‌نامه پیشین، اعتصاب محکومان و متهمان را به‌طور کلی ممنوع اعلام نموده بود و در همین راستا قسمت صدر ماده ۱۱۵ و نیز بند «ژ» ماده ۴۰ آیین‌نامه جدید نیز «هرگونه اعتصاب و اعتراض دسته‌جمعی» را ممنوع دانسته و به استناد صدر ماده اخیرالذکر این عمل را تخلف انضباطی محسوب نموده است. اگرچه در خصوص به رسمیت شناختن اعتصاب فردی تصریحی در این آیین‌نامه وجود ندارد ولیکن منع کلی مذکور در آیین‌نامه پیشین هم در این خصوص در آیین‌نامه جدید وجود ندارد؛ به عبارت دیگر از مفهوم مخالف

# سیاست‌گذاری جنایی پیشگیرانه در حوزه تروریسم

(درنگی در برخی تدابیر موقعیت‌مدار)

نویسنده: فرهاد شاهیده

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

## چکیده

تروریستی، بیان‌گر گسترش فضای تحت کنترل و تقویت راهبرد طرد و خنثی‌سازی افراد است که در نهایت منجر به تحول سیاست جنایی به سمت مدل اقتدارگرا شده است. بدین‌سان، پیشگیری وضعی با رویکردی خطرمدار در حوزه جرایم تروریستی با تمرکز بر وضعیت پیش‌جنایی در صدد خنثی‌سازی خطر ارتکاب بزه تروریستی است. پیشگیری وضعی علاوه بر پارادایم بازدارنده که در صدد ایجاد ترس در بزه‌کار بالقوه و بالابردن خطر ارتکاب جرم، شامل پارادایم توجیه‌زدا و محرک‌زدا نیز هست.

کلیدواژه‌ها: فرصت ارتکاب جرم، تروریسم، پیشگیری، مدیریت خطر.

با افزایش جرایم تروریستی در دو دهه اخیر، مفهوم امنیت موجب برخی تغییرات در مدل‌های سیاست جنایی شده است. بدین ترتیب، سیاست‌گذاران جنایی با دور شدن از علت‌نگری، تمایل بیشتری به معلول پیدا کرده‌اند و بر مسائل و قلمروهایی چون پیش‌بینی جرم، مدیریت ریسک جرم و ... تأکید می‌کنند. بر همین اساس، حتی دولت‌های رفاه در جوامع مردم سالار طرح‌های پیشگیرانه‌ای ارائه می‌دهند که دغدغه‌های انسان‌مدار را بتدریج کنار گذاشته و با راهبردهای پیشگیرانه‌ی زودبازده به دنبال کنترل اجتماعی جرایم تروریستی است. این نوع تغییر سیاست‌گذاری جنایی در پیشگیری از جرایم

## مقدمه

و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، پیشگیری از جرم به عنوان یکی از سیاست‌های برنامه ریزی جنایی کشور معرفی شده است. سیاست‌گذاران جنایی به دنبال راهکارهایی برای پیشگیری از ظهور تهدیدها و هراس ناشی از آن هستند. از همین رو، مدیریت خطر با تمرکز بر ارزیابی خطر و گذر از رفتارهای مجرمانه در صدد بازداشتن، شناسایی و در نهایت حذف مجرمان پُرخطر است. بر این اساس، مدیریت جرم‌شناختی خطر جرایم تروریستی زمانی به بهترین نحو حاصل می‌شود که رفتارهای پُرخطر، بزهکاران خطرناک و گروه‌های در معرض خطر به بهترین شکل پیش‌بینی و شناسایی شوند. بدین‌سان است که می‌توان پیشگیری وضعی را مجموعه‌ای از اقدامات دانست که در صدد پیش‌بینی، شناسایی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن است. سیاست‌گذاران جنایی ایران نیز با رویکرد مدیریت خطر، بر اساس ماده ۱ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ پیشگیری را «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن» تعریف کرده است. البته ارزیابی خطر در ادبیات جرم‌شناختی به مدیریت کیفی و غیرکیفری خطر جرم بر می‌گردد و به عبارت دیگر، پیشگیری در بستر مدیریت جرم‌شناختی جرم تبیین شده است. در نهایت، به دلیل محدودیت‌های پیشگیری وضعی از یک طرف و گسترش و ماهیت خاص جرایم تروریستی از طرف دیگر، سیاست‌گذاران جنایی را بر آن داشته است که با یک رویکرد افتراقی و با هدف کاستن حداکثری از هزینه‌های جرم و کاهش هزینه‌های اقتصادی مبارزه با جرایم تروریستی، راهبردهای پیشگیری وضعی را از گذر مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم اجرایی نمایند. زیرا هرچند، پیشگیری وضعی پنج روش افزایش تلاش، افزایش خطر، کاهش منافع، کاهش تحریک و حذف عذرهای ارتکاب جرم را پیشنهاد می‌نماید، اما در جرایم تروریستی برخی روش‌های مرسوم عملاً کارساز نیستند، مگر اینکه با رویکرد مدیریت خطرمدار صورت بگیرد. بدین ترتیب، پس از شناسایی جذاب‌ترین و آسیب‌پذیرترین آماج ارتکاب جرم و خطرناک‌ترین مرتکبان احتمالی و گروه‌های تروریستی، سیاست‌گذاران جنایی می‌بایست راهبرد مدیریتی را اتخاذ نمایند، زیرا منابع و امکانات محدود و جرم تروریستی به شدت خشن و فراگیر است. در همین راستا، گاه موانعی برای ارتکاب جرم تروریستی ایجاد می‌شود تا خطر و مشکلات ارتکاب جرم افزایش یابد و گاهی نیز در منافع ارتکاب جرم

در دوره کنونی، جرایم تروریستی به دغدغه بسیاری از کشورهای جهان تبدیل شده است، به نحوی که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، پدیده تروریسم نوین و مبارزه علیه آن، مینا و محور اصلی روابط بین‌المللی و آرایش‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی شده است. به طوری که می‌توان از جهانی شدن تروریسم و در نتیجه از جهانی شدن سیاست جنایی در برابر بزهکاری تروریستی سخن به میان آورد. یکی از مهم‌ترین دلایل جهانی شدن سیاست جنایی نیز آن است که جرم تروریستی ماهیت ویژه و پیچیده‌ای دارد و آثار بزه‌دیدگی آن شدید و ترس از جرم آن نیز گسترده است. همین موضوع موجب گرایش دولت‌ها به سوی دانش سیاست‌گذاری در زمینه بزهکاری تروریستی شده است. اگر سیاست‌گذاری را علم مطالعه دولت در عمل بدانیم، آنگاه نزدیک شدن رویکردهای جرم‌شناسی به این موضوع، به معنای نگرستن به جرم-شناسی در بستری از قدرت و فعالیت‌های دولت و تصمیم‌های آن است. بدین‌سان، آموزه‌های جرم‌شناسی با مباحث سیاست‌گذاری عمومی ترکیب می‌شود و نتیجه آن، شیوه‌های اجرایی اثربخش، کم هزینه و زودبازده برای دستیابی به جوامعی با نرخ‌های پایین تر جرم خواهد بود. در همین راستا، پیوند میان جرم‌شناسی و سیاست‌گذاری عمومی به پیدا شدن حوزه‌ای تخصصی با نام سیاست‌گذاری جنایی منجر شد (ملک محمدی، ۱۳۹۹: ۴۲-۴۱). سیاست‌گذاری جنایی در پی وضع سیاست‌هایی است که به کاهش میزان جرم در جوامع منتهی شود تا بدین وسیله انسان‌ها بتوانند در امنیت زندگی کنند. غیرقابل پیش‌بینی بودن و جهانی شدن جرایم تروریستی موجب شده است تا سیاست‌گذاران جنایی به این نتیجه برسند که این دسته جرایم ریشه کن نخواهند شد و تنها راه رویارویی، مدیریت جرم‌شناختی آن است. با وجود رشد جرایم تروریستی و ناتوانی نظام‌های کیفی در قبال کنترل جرایم این حوزه، دانش جرم‌شناسی به تحلیل علت‌شناسانه جرایم این حوزه روی آورده است. پیشگیری از جرم یکی از راهبردهای اساسی سیاست جنایی است. سیاست‌گذاران جنایی ایران نیز همگام با سیاست جنایی اسناد بین‌المللی و اقدامات برخی کشورها در راستای سیاست‌های پیشگیرانه از جرم، مقرراتی را پیش‌بینی نموده است. برای نمونه، در ماده ۱۱۳ -بخش حقوقی و قضایی- از برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی



مدت بیشتری را در منزل به سر می‌برند، خطر گسترش محتواهای آنلاین تروریستی به ویژه در مورد کودکان و جوانان به یکی از دغدغه‌های جدی سیاست‌گذاران جنایی برخی کشورها تبدیل شده است.

از همین رو، ظهور فناوری در برخی جرایم مانند بزهکاری‌های تروریستی موجب فنی شدن سازوکارهای پیشگیرانه نیز شده است، به نحوی که می‌توان گفت فناوری در جهت کنترل جرایم تروریستی به خدمت پیشگیری موقعیت‌مدار درآمده است. اقدامات پیشگیرانه وضعی/فن‌آورانه در حوزه فضای مجازی ناظر به اوضاع، احوال و شرایطی است که افراد را در آستانه ارتباط با تروریست‌ها یا گروه‌های تروریستی و همچنین، تروریست‌ها را در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهد. این اوضاع و احوال که در جرم‌شناسی، وضعیت‌های ماقبل بزهکاری یا وضعیت‌های پیش‌جنایی نام دارند، فرایند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه تروریستی را تحریک یا تسهیل کرده و نقش تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا می‌کنند. بزه‌دیده یا آماج جرم جزو این وضعیت‌ها قلمداد می‌شود. گروه‌های آماج در این راهبرد فن‌آورانه، عموم مردم و به ویژه افراد و گروه‌هایی هستند که در حال برنامه‌ریزی و آماده شدن برای ارتکاب جرایم تروریستی یا پیوستن به این گروه‌ها هستند.

در همین راستا، کشور انگلستان به منظور ایجاد اختلال در ارتباطات آنلاین تروریست‌های جهادی با افراد و به عبارت دیگر، برای پیشگیری از جهاد آنلاین در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ م. نسبت به بستن امکان اشتراک‌گذاری ویدیوهای خشونت‌آمیز یا تبلیغاتی گروه‌های تروریستی در فضای مجازی اقدام نمودند. همچنین، در سال ۲۰۱۰ م. گروهی از افسران ارشد متخصص در فضای سایبر جهت پایش و گزارش وب‌سایت‌های تروریستی تشکیل شد. سیاست‌گذاران جنایی کشور فرانسه نیز در سال ۲۰۱۴ م به‌رغم تعارض مسدودسازی ارتباطات با برخی حقوق مسلم بشری از جمله حق بر آزادی بیان، مقرره‌ای را تصویب نمودند که بر اساس آن، علاوه بر پاسخ کیفری به ارائه محتوای تروریسم در تارنماها با پیش‌بینی حبس تا دو سال و جزای نقدی به میزان سی هزار یورو؛ وزارت کشور را مکلف نمودند که وب‌سایت‌های متعلق به گروه‌های تروریستی یا تارنماهای تشویق‌کننده جرایم این حوزه را مسدود کند

(Ragazzi 2014: 21).

بدین‌سان، وب‌سایت‌هایی مانند al-Falaja با تمرکز بر جنگ در کشور عراق و مبارزه‌های

مداخله می‌شود. از همین رو، با استفاده از آموزه‌های مدیریت جرم‌شناختی جرایم تروریستی، می‌توان از طریق تدابیر مختلف مانند تدابیر ارتباطی، مالی و نظارتی تا حدود زیادی فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش داد. بدین‌سان، مهم‌ترین عناصری که منجر به ارتکاب جرم تروریستی می‌شوند عبارتند از آماج، وسیله ارتکاب جرم، منابع مالی و جابجایی مرتکبان که امروزه موجب تسهیل در ارتکاب جرم شده است. این جستار در پی پاسخ به این سؤالات است که آیا در سیاست‌گذاری جنایی پیشگیرانه به بزه‌دیده نیز به عنوان یکی از کنش‌گران جرم توجه می‌شود؟ تدابیر پیشگیرانه موقعیت‌مدار چه تأثیری بر حقوق بشر می‌گذارد؟ و در نهایت آنکه، آیا سیاست‌گذاران جنایی ایران سازوکار افتراقی مشخصی برای پیشگیری از بزهکاری تروریستی پیش‌بینی کرده است؟.

## ۱. تدبیر ارتباطی: مسدودسازی فن‌آورانه ارتباطات

امروزه فعالیت‌های بزهکارانه دیگر منحصر به محیط حقیقی نیست، بلکه برخی جرایم مانند اعمال تروریستی در محیط مجازی نیز ارتکاب می‌یابند. بر این اساس، عده‌ای از بزهکاران، با پیدایش فضای مجازی علاوه بر ارتکاب گونه‌های بزهکارانه نوین؛ فرصت‌ها و وسایل جدیدی برای ارتکاب رفتارهای مجرمانه متعارف پیدا کرده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۱۱). علاوه بر تروریسم سایبری که به فعالیت‌های مجرمانه تروریستی علیه رایانه‌ها، شبکه‌های رایانه‌ای و اطلاعات ذخیره شده با همان انگیزه‌های مرسوم در جرایم تروریستی تعریف می‌شود

(Seddon 2044:20) ،

فضای مجازی این فرصت را به تروریست‌ها می‌دهد تا علاوه بر دسترسی گسترده، افراد افراطی را جذب نمایند و به راحتی با یکدیگر در ارتباط باشند. استفاده از فضای مجازی در دوران پاندمی بیماری کرونا بیشتر از زمان‌های گذشته شده است. بر همین اساس، هرچند، آمار جرایم تروریستی در این دوران به دلایل مختلف از جمله کاهش تجمعات انسانی، محدود شدن رفت و آمد و ... به شدت کاسته شده است، اما گروه‌های تروریستی و افراطی از این فرصت در راستای تبلیغات و گسترش عقاید خود به روش‌های گوناگون از جمله بازی‌های رایانه‌ای و سایت‌های آموزش تروریسم استفاده می‌کنند

(United Nations Security Council, 2020: 3).

از آنجا که از زمان فراگیری بیماری کرونا افراد

سال ۲۰۱۷ م-، کلیه بانکها مکلف شده‌اند تا اقدامات مشکوک به پولشویی و معاملات تسهیل کننده جرایم تروریستی را به نهادهای امنیتی اطلاع دهند. علاوه بر آن، در قانون ضد پولشویی آمده است که بانکها مکلف هستند تا اطلاعات حساب و تراکنش‌های مالی افراد مظنون را در اختیار نهادهای امنیتی قرار دهند.

یکی از مهم‌ترین تدابیر جهت از بین بردن فرصت‌های ارتکاب جرم بازرسی و تفحص مالی سازمان‌هایی است که در مظان اتهام ارتکاب جرایم تروریستی یا همکاری در آن هستند. «گروه هشت»<sup>۴</sup> نیز با تأکید بر جنبه‌های بین‌المللی جرایم تروریستی، قوانینی را در این حوزه به تصویب رساند. بر اساس این قانون که میان اعضای عضو به تصویب رسیده است، این اجازه به وزارتخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی، امنیتی و حفاظتی داده شد تا رفتارهای مشکوک و تهدیدآمیز علیه امنیت کشورها را تحت نظارت قرار دهند. علاوه بر آن، اختیار بررسی حساب‌های مالی افراد مشکوک به این نهادها واگذار شد. بر اساس قانون میهن‌پرستی آمریکا، اف. بی. آی و سایر نهادهای اطلاعاتی، در صورت ظن به ارتکاب جرم توسط سازمان‌ها یا تردید در مورد همکاری آنها می‌توانند آن سازمان‌ها را از حیث اسناد مالی و تجاری مورد تفتیش قرار دهند. در سال ۲۰۰۲ م، آیین‌نامه اجرایی این مقرر تصویب شد که بر اساس آن اف. بی. آی نه تنها اختیار بررسی اسناد مالی را دارد، بلکه می‌تواند کلیه اطلاعات اینترنتی، شبکه‌ای و سازمانی را مورد بررسی قرار دهد. هم‌زمان، بررسی تراکنش‌های مالی و جابجایی‌های پولی سازمان‌های مظنون از دیگر مقرراتی است که در آیین‌نامه اجرایی آمده است.

در کشور ایران نیز آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ الحاقی قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۸، به طور مشخص با تأکید بر مدیریت خطر مالی درصدد اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه در این حوزه برآمده است. فصل دوم آیین‌نامه تحت عنوان ارزیابی خطر و مدیریت مبتنی بر خطر بر شناسایی ریسک‌های مالی جرایم تروریستی استوار است. بر اساس ماده ۲ آیین‌نامه، شورای عالی مقابله و پیشگیری از

جهادی، al-Ansar با دعوت شهروندان آلمانی و انگلیسی به عضویت در گروه الانصار مسدود شده‌اند. (Mantel, ۲۰۰۹: ۱۴۵) کشور ایران نیز با دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای فرهنگ و رسانه در سال ۱۳۹۷ اقدام به مسدودسازی پیام‌رسان تلگرام نمود. در قسمتی از این دستور به تبدیل شدن این شبکه به بستری برای ارتکاب جرایم مختلف مانند «...اقدام علیه امنیت کشور از طریق گروهک‌های تروریستی...» اشاره شده است (<https://www.irna.ir/news/82902316>).

آنچه از نحوه سازوکار پیشگیرانه از جرایم تروریستی در ایران و کشورهای پیش‌گفته به دست می‌آید آن است که برخلاف موارد پیشین که با رویکرد مدیریت خطر، صرفاً بر مسدودسازی محتوای تروریستی تأکید کرده‌اند، در ایران پیشگیری وضعی/فن‌آورانه به صورت کلی و بدون در نظر گرفتن سایر محتواهای قانونی و مجاز صورت گرفته است. در هر حال، مسدودسازی فن‌آورانه ارتباطات با هدف بالابردن هزینه‌های ارتکاب جرم درصدد پیشگیری از پیوستن افراد به گروه‌های تروریستی از طریق فضای مجازی است.

## ۲. تدبیر مالی: قطع تأمین مالی تروریسم

در سال‌های اخیر جامعه جهانی در کنار الگوهای سیاسی، نظامی و حقوقی مقابله با تروریسم، کنترل منابع مالی تروریسم را به عنوان یک راهبرد پیشگیرانه مدنظر قرار داده است. در این بستر، دولت‌ها با تأکید بر سرمنشأ درآمدهای مالی گروه‌های تروریستی تلاش می‌کنند تا از طریق از بین بردن منابع مالی، به مبارزه با تروریسم بپردازند. بر همین اساس، از دیدگاه گروه ویژه اقدام مالی، شناسایی مشتری، نظارت بر معاملات مشتری و نگهداری سوابق آن و گزارش عملیات بانکی مشکوک جزء مهم‌ترین اقدامات پیشگیرانه وضعی با رویکرد مدیریت خطر جرم است. (FATF Recommendations, 2019) بدین‌سان، کشور آمریکا مقررات سخت‌گیرانه‌ای را در مورد بانک‌های کمک کننده به تروریست‌ها در نظر گرفته است. هم‌زمان در قانون ضدپولشویی<sup>۳</sup> این کشور - اصلاحی

### 3. Anti- money Lundering Act 2017.

۴. این گروه متشکل از کشورهای آمریکا، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، روسیه و انگلستان برای مبارزه مؤثر علیه تروریسم، انجام یک سلسله تغییرات در قوانین را تصویب کردند. برای نمونه، به مراکز اطلاعاتی، امنیتی و حفاظتی اجازه دادند تا تلاش‌های مشکوکی را که محل امنیتی کشور هستند تحت نظر بگیرند. این مراکز اجازه دارند تا اطلاعات مربوط به حساب‌ها و دارندگان آنها را که مشکوک به اقدامات افراط‌گرایانه هستند جمع‌آوری نمایند. (ناجی راد، ۱۳۸۸: ص ۴۳۱).

تحت نظارت قرار دارند، موجب می‌شود که حتی در صورت انتخاب راه‌های جایگزین، فرصت مناسبی برای جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی آنها برای سیاست‌گذاران جنایی فراهم شود. با این حال، در صورت عدم گزارش به موقع، با توجه به آن‌که نگهداری سوابق یک امر بسیار مهم جهت شناسایی ردپاهای تأمین مالی تروریسم است، ماده ۳۸ آیین‌نامه پیش‌گفته و ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۶، تمامی اشخاص مشمول را مکلف کرده است که مدارک مربوط به سوابق معاملات و عملیات مالی و نیز مدارک مربوط به سوابق شناسایی ارباب رجوع هنگام ارائه خدمات را حداقل به مدت پنج سال بعد از پایان عملیات نگهداری کنند. در نهایت آنکه تدابیر پیشگیرانه از جرم تأمین مالی تروریسم با جرم پولشویی اشتراکات زیادی دارد. بر همین اساس، رویکرد سیاست‌گذاران جنایی ایران بیشتر بر جرم پولشویی متمرکز است، زیرا از یک سو، سازوکارهای پیشگیری از جرم تأمین مالی تروریسم در آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ الحاقی قانون مبارزه با پولشویی پیش‌بینی شده است و از سوی دیگر، کانون توجه بسیاری از دستورالعمل‌های صادره از بانک مرکزی و سایر نهادهای نظارتی، بر جرم پولشویی است. از همین لحاظ سیاست‌گذاران جنایی ایران برای مبارزه مؤثر با تأمین مالی تروریسم که شاهرگ حیاتی مجرمان تروریستی است، می‌بایست آیین‌نامه به روز شده‌ای را تنظیم نمایند که ضمن استقلال از آیین‌نامه مرتبط با جرم پولشویی، با آخرین تحولات تقنینی و اجرایی هماهنگ باشد.

### ۳. تدابیر نظارتی: نظارت مکانی

در رویکرد مدیریت خطر جرایم تروریستی، کانون توجه سیاست‌گذاران جنایی از جرم به خطر جرم تبدیل شده است. پایش و تحدید مکان‌های عمومی از طریق اختلال در تجمع در مکان‌های بحرانی و کنترل ورودی و خروجی کشورها، ابزارهایی هستند که برای مدیریت بزهکاری‌های تروریستی به کار می‌روند.

#### ۳-۱. اختلال در تجمع در مکان‌های بحرانی

کنترل مکان‌هایی که بر حسب شاخص‌های خطرزای مدّ نظر سیاست‌گذاران جنایی که گاه متأثر از ایدئولوژی آنها نیز هست، یکی از سازوکارهای مدیریتی پیشگیری وضعی از جرم است. بر این اساس، بر خلاف نظریات سنتی جرم‌شناسی علت-

جرایم پولشویی و تأمین مالی تروریسم مکلف است ظرف سه ماه پس از تصویب این آیین‌نامه، به منظور ارزیابی خطر پولشویی و تأمین مالی تروریسم در سطح ملی، نسبت به ایجاد کارگروه ملی ارزیابی خطر، متشکل از دستگاه‌های متولی نظارت و سایر نهادهای ذی صلاح اقدام کند.

بر همین اساس، مرکز اطلاعات مالی مذکور در ماده (۷) مکرر قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی، طبق ماده ۹ آیین‌نامه مذکور مکلف است برای تعیین خطر ارباب رجوع در تعاملات کاری با اشخاص مشمول ماده ۵ و ۶ قانون، نسبت به تهیه فهرست اشخاص با خطر بالا با معیارهایی مانند خطر سیاسی، نوع شغل، تردد به مناطق پر خطر، اقدام کند. بر این اساس، تلاش شده است تا ویژگی‌ها و متغیرهای خطر به صورت دقیق تعریف شوند تا از یک‌سو، مدیریت خطر محقق شود و از سوی دیگر، از رفتار سلیقه‌ای در این حوزه جلوگیری شود. بدین ترتیب، وفق ماده ۳۹ آیین‌نامه، تمامی کارکنان تحت امر اشخاص مشمول موظفند در صورت مشاهده معاملات و عملیات مشکوک (موضوع بند «و» ماده (۱)) مراتب را بدون اطلاع ارباب رجوع، به واحدهای مسئول مبارزه با پولشویی در هر دستگاه اطلاع دهند. در صورت عدم وجود این واحد، بالاترین مقام شخص مشمول، مسئول دریافت گزارش‌ها و انجام اقدامات مقتضی خواهد بود. در صورت اطلاع ارباب رجوع، با متخلف مطابق مقررات رفتار خواهد شد. مفاد حاکم بر ماده ۳۹ نشان می‌دهد که از یک‌سو، کارکنان تحت امر در صورت مشاهده معاملات مشکوک تکلیف به گزارش آن دارند و از سوی دیگر، نباید مشکوک بودن و اطلاع دادن به واحدهای مسئول مبارزه با پولشویی را به اطلاع مشتری برسانند؛ زیرا در این حالت ممکن است وی با دانستن این موضوع، نسبت به رفع برخی اعمال و رفتارهای مشکوک اقدام کند یا به طور کلی متواری شود؛ به نحوی که امکان تعقیب وی از بین رود. همچنین، الزام اشخاص، نهادها و دستگاه‌ها به گزارش معاملات و عملیات مشکوک به مرجع ذی‌صلاحی که شورای عالی مبارزه با پولشویی تعیین می‌کند، طبق تصریح ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ اقدامی در مسیر شفاف‌سازی مالی می‌باشد. این رویکرد پیشگیرانه با پیش‌بینی سازوکار نظارتی دقیق بر مبادلات مالی و گزارش‌دهی در صورت اتحراف آن از مسیر قانونی یکی از راهکارهای اساسی قطع شریان مالی تروریست‌ها از طریق عملیات بانکی است. بدین‌سان، آگاهی تروریست‌ها از اینکه انواع فعالیت‌های مالی

دولت‌های رفاه برنامه‌های پیشگیرانه خود را بر اساس امنیت‌محوری مورد بازبینی قرار دادند. نتیجه این تغییر گفتمان، افزایش فضای کنترل شده، محدودیت بیشتر شهروندان و تحدید تجمعات، توان‌گیری پیشگیرانه از مرتکبان احتمالی و گسترش اختیارات پلیس است که با مدل مردم‌سالار سیاست جنایی فاصله زیادی دارد.

### ۲-۳. کنترل ورودی و خروجی کشور

بازرسی مبادی ورودی و خروجی و ایجاد مانع برای تردد آزاد و رفت و آمد آسان تروریست‌ها به دیگر مناطق یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران جنایی در برابر جرایم تروریستی است. اهمیت این موضوع به حدی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴ م. در قالب قطعنامه ۲۱۷۸ بر پیشگیری از ورود غیرقانونی تروریست‌های خارجی از طریق بهبود کنترل مرزها تأکید کرده است. بر همین اساس، در هلند، علاوه بر بازرسی افراد، این اجازه به نهاد تحقیقات جرایم تروریستی<sup>۶</sup> داده شده است تا در صورت مشاهده رفتارهای مشکوک از طریق خطر ابتدایی امنیتی اقداماتی را انجام دهند. از این رو، نهاد مذکور در فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های قطار در شهرهای آمستردام، لاهه، روتردام و اوترخت از این اختیار برخوردار است تا به محض مشاهده رفتار مشکوک، تمامی مسافران و وسایل آنها را تفتیش کنند. بدین‌سان، در فرودگاه‌ها و مبادی ورود و خروج فرودگاه‌ها تدابیر خاصی پیش‌بینی شده است. بازرسی بدنی، انگشت‌نگاری، توقیف در ایستگاه‌های مخصوص در فرودگاه‌ها، پیگرد نامحسوس در فرودگاه‌ها از مهم‌ترین تدابیر پیشگیرانه‌ای هستند که در مرزهای کشور هلند انجام می‌شود

(Kundnani 2009:8)

در ماده ۱۴۵ برنامه هشتم قانون پلیس و رفتارهای ضداجتماعی مصوب ۲۰۱۴ م.<sup>۷</sup> کشور انگلستان آمده است که نیروهای پلیس در بنادر حق بازرسی اسناد و مدارک مسافران را دارند و با ظن به احتمال ارتکاب جرایم تروریستی می‌توانند مهاجران یا حتی خود شهروندان بریتانیا را مورد تحقیق و بازرسی قرار دهند.

سیاست‌گذاران جنایی ایران نیز با توجه به

شناختی در نقش محیط بر ارتکاب عمل مجرمانه، در این رویکرد، بدون توجه به ریشه‌های محیطی ارتکاب جرم و با نگاهی مدیریتی، مکان‌هایی که احتمالاً بر اساس مبانی جرم‌شناسی سنجشی محل تجمع مظنونان تروریستی باشد تفتیش می‌شود. بر همین اساس، در کشور فرانسه پس از شکل‌گیری و تأیید این نظر که مسلمانان جزء گروه‌های تروریستی هستند، با تصویب قانون راجع به امنیت داخلی و مبارزه با تروریسم مصوب ۲۰۱۷ م.<sup>۵</sup> به سرویس‌های امنیتی اجازه داده شده است تا مکان‌هایی که محل عبادت یا پرستش ادیان مختلف از جمله مسلمانان است را با ظن بر تحرکات تروریستی حتی بدون دستور قضایی بازرسی و یا تعطیل کنند (ماده ۲)، زیرا به باور سیاست‌گذاران جنایی فرانسه، مکان‌های دینی سرآغاز شکل‌گیری اندیشه‌های ارتکاب رفتارهای تروریستی هستند. همچنین، بر اساس ماده ۱ به منظور شناسایی مکان‌های پُرخطر برای ارتکاب جرایم تروریستی که برحسب ماهیت یا تراکم مستعد جرم شده‌اند، نیروهای پلیس می‌توانند تدابیر نظارتی اضافی را در نظر گیرند. این امر به ویژه در شهر پاریس رخ می‌دهد. بر این اساس، پلیس بر رفت و آمد و تجمع برخی افراد در مکان‌های مستعد جرایم تروریستی نظارت می‌کند. سیاست‌گذاران جنایی آلمان نیز در سال ۲۰۱۷ م. با شناسایی ۷۵۰ نفر از سلفی‌های خطرناک که دارای توانایی انجام اعمال تروریستی بودند را شناسایی کردند و بر این اساس، در قالب طرح مقابله با مساجد و تشکیلات سلفی‌های افراطی، اقدام فعالیت مکان‌های مذهبی و گروه‌های تندرو محدود یا به کلی ممنوع اعلام شد (<https://www.isna.ir/>) (/96082816110/print).

اقدامات کنترلی، کانون‌های گروهی یا اجتماعی مختلف را در بر می‌گیرد. مکان‌های بحرانی یکی از حوزه‌های مهم در مطالعات جرم‌شناسی تروریسم است. البته، برداشت‌های سیاسی و عوام‌گرایانه سیاست‌گذاران جنایی فرانسه و آلمان از تروریسم در بستن برخی مکان‌های خاص یا اختلال در تجمعات خطرناک که به نوعی پیشگیری سرکوب‌محور محسوب می‌شود، بی‌تأثیر نیست. بدین‌سان، به دنبال ترس از جرایم تروریستی و احساس ناامنی در کشورهای اروپایی، بسیاری از

5. Reinforce Internal Security and the Fight Against Terrorism Act 2017.

6. Terrorist Crime Investigation Institute.

7. Police and Anti- Social Behavior Act 2014.

مرزهای مشترکی که با کشورهای همسایه، به ویژه عراق، پاکستان و افغانستان به عنوان کانون بحران وقایع تروریستی، دارد به موضوع امنیت مرزها توجه داشته‌اند. بر همین اساس، اهمیت کنترل مرزهای کشور به خصوص در مرزهایی که خطر ورود مرتکبان تروریست زیاد است، به حدی است که در بند ۱۰۶

گفتمان موقعیت‌مدار با رویکردی امنیتی به دنبال توان‌گیری پیشگیرانه و غیرقهرآمیز با مداخله در وضعیت پیش‌جنایی است.

حال، در هزاره سوم، با تمرکز بر ابعاد داخلی و بین‌المللی و اتخاذ رویکردهای سیاست‌مدانه سه قلمروی مهم به عنوان زیربنای سیاست‌گذاری افتراقی پیشگیرانه قابل شناسایی است. نخست، مرتکبان جرایم تروریستی، بیشتر، افراد بنیادگرا و افراطی در حوزه دین هستند که خشونت ایدئولوژیک محور را در دستور کار خویش قرار می‌دهند. دوم، ارتکاب جرم توسط گروه‌های تکفیری انجام می‌شود و در نهایت، تنوع انگیزه‌های ایدئولوژیک و نقش آن در ارتکاب جرم موجب فعالیت افراطی بنیادگراها در این حوزه می‌شود.

در نهایت، در بند «ح» ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴، بکارگیری همه امکانات جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با خشونت‌گرایی، تروریسم و افراط‌گرایی پیش‌بینی شده است. حال از آنجا که حداقل در یک سند بالادستی به نوعی، به سیاست جنایی ترکیبی که شامل تمام انواع راهکارهای رویارویی با جرایم تروریستی می‌شود، اشاره شده است؛ باید به تدابیر پیشگیرانه موقعیت‌مدار نیز توجه ویژه شود. با توجه به ماده ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴، یکی از وظایف شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم تعیین راهبردها، سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و سیاست‌های کلی نظام است. بر این اساس، این پرسش‌ها مطرح است که در نظام پیشگیری از جرم ایران، چه سیاست‌هایی از جهت پیشگیری موقعیت‌مدار از جرایم تروریستی اتخاذ شده است؟ آیا نهادهای رسمی و غیررسمی به عنوان نقشی در راستای پیشگیری از تروریسم دارند؟ در پاسخ می‌توان گفت که سیاست‌های منسجمی در این خصوص پیش‌بینی نشده است و تدابیری هم که اتخاذ شده است اصولاً بدون توجه به مدیریت جرم‌شناختی خطر جرایم تروریستی در صدد پیشگیری از جرایم تروریستی برآمده‌اند. همچنین، مناسب است که سیاست‌گذاران جنایی ایران، نظریه‌های جرم‌شناختی جرایم تروریستی را وارد فرایند سیاست‌گذاری نمایند. از آنجا که جرم‌شناسی تروریسم در متون علوم جنایی ایران از غنای چندانی برخوردار نیست، ضرورت پیش‌بینی هسته پژوهشی جرم‌شناسی تروریستی در دانشکده‌های حقوق احساس می‌شود.

قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منظور ارتقای امنیت و کنترل مؤثر مرزها و کاهش جرم به تقویت و توسعه زیرساخت‌ها برای انسداد فیزیکی و الکترونیکی مرزهای به ویژه نامن اشاره شده است. در همین راستا، پس از سخنان مقام معظم رهبری مبنی اینکه «کنترل مرزها در اولویت است، کنترل مواد مخدر باید جدی انجام شود و جلوگیری از وارد شدن تروریست‌ها اخلاص‌گر و ...» (<http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatn.aspx>)

مجلس شورای اسلامی طرح تقویت مرزبانی را در سال ۱۳۸۸ تصویب نمود، اما پس از ایرادات شورای نگهبان تا کنون اقدامی جهت تصویب نهایی این طرح صورت نگرفته است.

### نتیجه‌گیری

گسترش پیشگیری وضعی/فن‌آورانه از جرایم تروریستی که اغلب با گذر از راهبردهای مدیریت غیرکیفری خطر جرایم تروریستی تلفیق شده، موجب گسترش امنیت‌گرایی در حوزه پیشگیری از جرم گردیده است. بر این اساس، گفتمان موقعیت‌مدار با رویکردی امنیتی به دنبال توان‌گیری پیشگیرانه و غیرقهرآمیز با مداخله در وضعیت پیش‌جنایی است. بدین‌سان، در راستای رویارویی با جرایم تروریستی آموزه‌های جرم‌شناسی انتقادی و جرم‌شناسی اصلاح و درمان نقش کم‌رنگی پیدا کرده‌اند. راهبرد پیشگیرانه در حوزه جرایم تروریستی باید به فضای تهدیدات داخلی و بین‌المللی نیز توجه کند، زیرا امکان ارتکاب جرایم تروریستی توسط افراد حاضر در یک کشور و افراد متبوع سایر کشورها وجود دارد. دلیل این امر وجود کثرت‌گرایی فرهنگی در کشورهای چون آمریکا، انگلستان و ... است. لذا، در کشورهای یاد شده وجود فرهنگ‌های متنوع از قبیل نژاد، قومیت، مذهب و ... موجب می‌شود تا برخی گروه‌ها در قبال گروه‌های دیگر مرتکب جرایم تروریستی شوند. این امر ممکن است در سطح داخلی یا بین‌المللی رخ دهد. با این

#### منابع و مأخذ

11. <https://www.isna.ir/print/96082816110/>

12. <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmMatn.aspx>

۱. ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۹). سیاست‌گذاری مقابله با جرم و فساد، تهران، انتشارات سمت.

۲. ناجی راد، محمدعلی (۱۳۸۸). جهانی شدن تروریسم، تهران، وزارت امور خارجه.

۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵). «از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی»، دیپاچه در: پیکا، جرج، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.

4. FATF (2019). The FATF Recommendations, International Standards On Combating Money Laundering and The Financing of Terrorism & Proliferation, 2012, updated February.

5. Kundnani, A (2009). How Not to Prevent Violent Extremism, London, Institute of Race Relations.

6. Mantel, B (200). Terrorism and the Internet, in: Understanding Terrorism, CQ Researcher.

7. Ragazzi, F (2014). Towards "Policed Multiculturalism?" Counter radicalization in France, the Netherlands and the United kingdom. Sciences Po Paris.

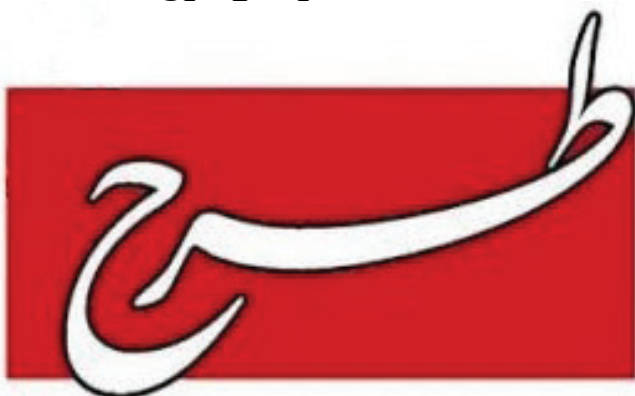
8. Seddon, E (2004). Cyber Terrorism, Edited Alan Oday, Ash gate publishing Company.

9. United Nations Security Council, (2020). The impact of the COVID-19 pandemic on terrorism, counter-terrorism and countering violent extremism.

10. <https://www.irna.ir/news/82902316>.

«««« تنظیم‌کننده: مهرنوش ایمانی  
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

««« تازدهای طرح «««



۱. طرح اصلاح قانون حمایت از مصرف‌کنندگان کالا و خدمات مصوب ۱۳۸۸:

به موجب این طرح که در مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۹ در جلسه علنی اعلام وصول گردید پیشنهاد گردید که تبصره ماده ۱۹ این قانون به این شرح اصلاح شود: « در صورتی که عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات از ایفاء هر یک از تعهدات خود در قبال خریدار اعم از عدم تحویل کالا و یا ارایه خدمت درخواستی برابر اسناد مثبته خودداری کرده یا آن را به صورت ناقص و یا با تاخیر انجام دهند، محاکم قضایی و یا شعب تعزیرات حکومتی مکلفند در ارای صادره، متعهد را علاوه بر انجام کامل تعهد، به جبران خسارات وارده ملزم نمایند.»

۲. طرح اصلاح برخی از قوانین راجع به وکالت

به موجب این طرح که در مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۲ با امضای ۳۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در صحن علنی اعلام وصول گردید پیشنهاد شد که در راستای ارتقاء کارآمدی نهاد وکالت توام با حفظ استقلال وکلا تغییراتی در دو سند قانونی موجود در مورد نهاد مذکور در کشور یعنی لایحه قانونی استقلال کانون وکلا و قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت اعمال گردد.

۳. طرح حمایت از استخراج رمزارز و ساماندهی بازار مبادلات داخلی آن

نظر به توسعه روز افزون فناوری اطلاعات و اهمیت اقتصاد دیجیتال و علی‌الخصوص رمز ارزها (ارزهی دیجیتال یا رمز دارایی‌ها) و با توجه به گزارش نظارتی کمیسیون اقتصادی موضوع ماده ۴۵ آیین‌نامه داخلی که رمزینه ارزها را به عنوان موضوعی مهم و حساس مورد بررسی قرار داده است، «قانون حمایت از استخراج رمز ارز و ساماندهی بازار مبادلات داخلی آن» در قالب یک طرح شامل ۴ ماده و ۷ تبصره به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید.

## تازه‌های نشر

### تنظیم‌کننده: فرشید نظری دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

- ۱- شخصیت جنین / نویسنده: دکتر سید محمد آذین / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد شومیز / قطع وزیری / قیمت ۶۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۹۳۸.
- ۲- دایره‌المعارف ریاضیات و علوم جنایی / نویسندگان: جمعی از استادان و پژوهشگران / به کوشش: مریم عباچی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۷۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۱۳۳.
- ۳- پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان (پیشگیری رشدمدار) / نویسندگان: دیوید. پی فارینگتون و براندون. سی ولش / مترجم: سید علی حیدری / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۷۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۱۰۲.
- ۴- حقوق بین‌الملل کیفری (گزیده مقالات) / نویسنده: دکتر محمدعلی اردبیلی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۱۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۷۳۰.
- ۵- کاربرد روانشناسی در زندان / نویسندگان: ژاکلین هاویسون ، دیوید . جی کوک ، پامل جی. بالدوین / مترجمان: دکتر فریبرز صدیقی ارفعی و دکتر محسن نیازی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۵۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۸۰۸.
- ۶- جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان ( جرم‌شناسی رشدمدار) / نویسندگان: دکتر محمود مهدوی و سیدعلی حیدری / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۶۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۰۷۲.
- ۷- تاریخ حقوق کیفری و تحولات آن / نویسنده: دکتر عباس تدین / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۵۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۰۸۹.
- ۸- جنایات علیه تمامیت جسمانی اشخاص / نویسنده: دکتر علی نجفی توانا / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۷۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۲۰۳۴.



- ۹- تنزل اصل قانونمندی در پرتو ارجاع کیفری / نویسنده: دکتر زینب لکی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۹۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۴۸۷۲.
- ۱۰- مجموعه مقررات مربوط به زندان و زندانی / نویسنده: سیدحسن شاکری / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع جیبی / قیمت ۵۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۴۶۷۸.
- ۱۱- آرا و اندیشه‌های اصولی صاحب مدارک الاحکام / نویسندگان: دکتر محمد محسنی دهکلانی و دکتر حسین مهدوی نیا / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۵۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۴۹۱۹.
- ۱۲- قانون مجازات عراق (مصوب ۱۹۶۹ میلادی با اصلاحات بعدی) / مترجم: احمد ربیعی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۴۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۴۹۶۴.
- ۱۳- پلیس اداری «مبانی نظری، ساختار و شرایط قانونی بودن اقدامات آن، مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه» / نویسندگان: دکتر محمد جلالی و میثا کامیاب / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۸۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۵۵۱۵۲.
- ۱۴- سیاست کیفری ایران در برابر تجاوز به اراضی ملی / نویسنده: دکتر سیدرضا سجودی / انتشارات گنج‌دانش / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۸۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۶۱۸۷۷۷۰.
- ۱۵- انسان بزهکار / نویسنده: سزار لومبروزو / مترجمان: دکتر مجتبی فرهمند، دکتر محمد سعید شفیعی، اکرم امیرخانی / انتشارات گنج‌دانش / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۶۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۶۱۸۷۷۲۵.
- ۱۶- قانون و اخلاق / نویسنده: دتلف هرستر / مترجم: محمدحسن خویشتن‌دار / انتشارات گنج‌دانش / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع رقعی / قیمت ۲۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۶۱۸۷۷۱۸.
- ۱۷- رشا و ارتشا در پرتو قوانین و رویه قضایی / نویسندگان: محمود رضوی و سامان اوجاقلو شهابی / انتشارات جنگل / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۶۴۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۳۸۲۵۵۱.
- ۱۸- حمایت از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست با نظام حقوقی فرزندخواندگی در ایران / نویسنده: محمد فخر / انتشارات جنگل / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع رقعی / قیمت ۲۴۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۳۸۲۳۵۳.
- ۱۹- بررسی جرم‌شناسی شیطان‌گرایی / نویسندگان: دکتر سیدمحمود میرخلیلی و سجاد شکوری‌راد / انتشارات مهرکلام / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۷۵۰۰۰۰ ریال.
- ۲۰- تحولات ضابطیت دادگستری در نظام کیفری ایران / نویسندگان: دکتر ساسان رضایی فرد، مهرداد رضایی فرد / انتشارات مهرکلام / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع پالتویی / قیمت ۴۰۰۰۰۰ ریال.

## تازه‌های لاتین

تنظیم‌کننده: منصوره قنبریان بانوئی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

### Articles:

1-Hidden Victims: The gendered Data Gap of Violent Crime, Kerris Cooper, Polina Obolenskaya, The British Journal of Criminology, 61, 2021.

2-Tracing the Effects of Reducing Penalties on Crime and Prosecution, Elizabeth R. Groff , Jeffrey T. Ward , Julie Wartell, Journal of Criminal Justice, 75, 2021.

3-Impact of Metropolization on the Crime Structure (Case Study of Provincial Capitals in Poland), Natalia Sypion-Dutkowska , Michael Leitner , Marek Dutkowski, Cities: The International Journal of Urban Policy and Planning, 119, 2021.

4-Impact of Abortion on Crime and Crime-related Behavior, Randi Hjalmarsson, Andreea Mitrut, Cristian Pop-Eleches, Journal of Public Economics, 200, 2021.

5-It's Like a Sentence Before the Sentence' exploring the Pains and Possibilities of Waiting for Imprisonment, Julie Laursen, Kristian Mjaland and Ben Crewe, The British Journal of Criminology, 60, 2020.

6-Prevention of Criminal Offending: The Intervening and Protective Effects of Education for Aggressive Youth, Kathleen Kennedy-Turner, Lisa A. Serbin, Dale M. Stack, Daniel J. Dickson, Jane E. Ledingham and Alex E. Schwartzman, The British Journal of Criminology, 60, 2020.

7-Higher Education in Prison: A Pilot Study of Approaches and Modes of Delivery in Eight Prison Administrations, Susan Dewey, Kym Codallos, Robin Barry, Kirstin Drenkhahn, Michala Glover, Alec Muthig, Susan Lockwood Robert and Betty Abbott, Journal of Correctional Education, 71, 1, 2020.

8-The Impact of a Motivational curriculum Upon Criminal Thinking Among Incarcerated Men, Robert D. Hanser, Attapol Kuanliang, Anissa Horne, Gina M. Hanser and Alexis Horne, Journal of Correctional Education, 71, 1, 2020.



